

هشدار!

(...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد)

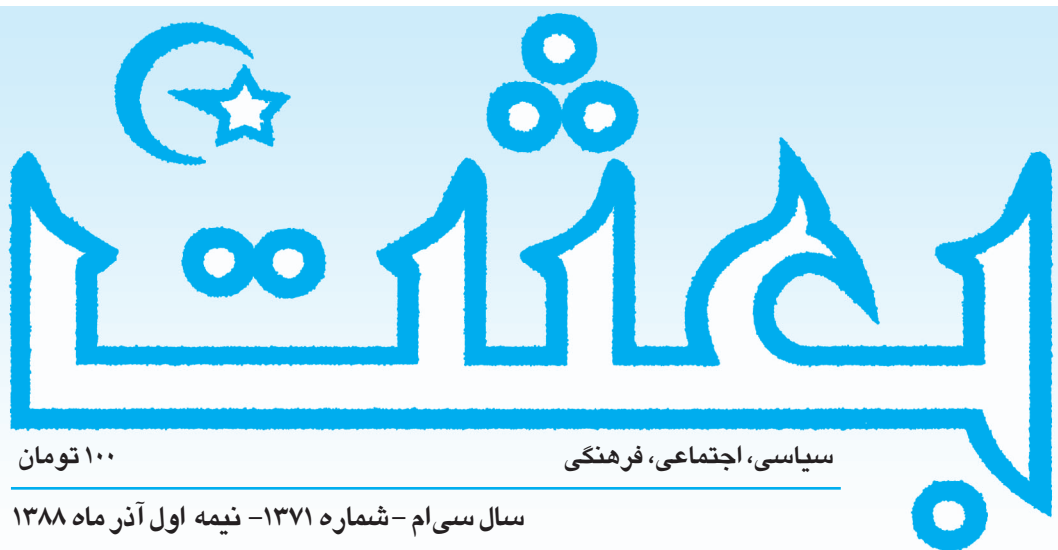
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعا می کنند همه برای خودشان است...

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

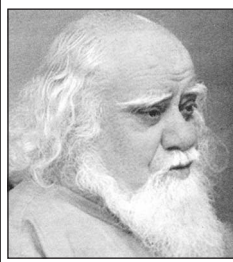
۱۰۰ تومان

سال سی ام - شماره ۱۳۷۱ - نیمه اول آذر ماه ۱۳۸۸



شرط اصلی تحول یک
جامعه و عامل محرک
تاریخ از دیدگاه سید
جمال الدین حسینی

صفحه ۶



توضیح مهم استاد علامه
محمدرضا حکیمی
درباره عدم پذیرش
جایزه جشنواره فارابی

صفحه ۱۲



آیت الله جوادی آملی:
مراکز پژوهشی در
مدار خلقت شناسی
کوشش کنند

صفحه ۹

آیت الله هاشمی شاهرودی در گفت و گوبا
پایگاه اطلاع رسانی جماران:

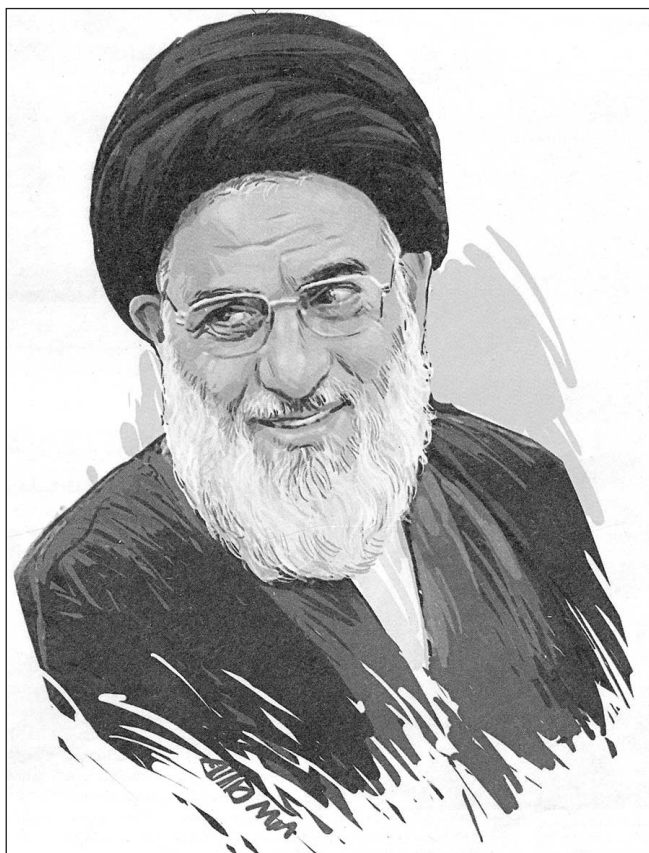
بازداشت انفرادی خلاف است

صفحه ۱۱

همراه با جایزه حکمت سینوی

آیت الله جوادی آملی جایزه فلسفی بوعلی سینا،
حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خسرو شاهی
جایزه مفاخر بوعلی سینا، دکتر علی اکبر ولایتی جایزه
پزشکی بوعلی سینا، دکتر میکولوس ماروت جایزه ابن
سینا پژوهی و دکتر سیدحسین نصر جایزه حکمتانه
بوعلی سینا دریافت کردند.

صفحه ۲



۱۴ میلیون دلار جایزه برای روشن شدن سرنوشت امام موسی صدر

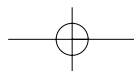
آیت الله سید اسماعیل صدر ف جانشین مرحوم آیت
الله العظمی میرزا حسن شیرازی و مرجع زمان خود، و
جد مادری ایشان مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا
حسین قمی، جانشین مرحوم آیت الله العظمی سید
ابوالحسن اصفهانی و رهبر قیام مردم مشهد علیه
رضاخان بود. امام موسی صدر در اواخر سال ۱۳۳۸ و به
دنبال توصیه های حضرات آیات بروجردی، حکیم و
شیخ مرتضی آل یاسین، وصیت مرحوم آیت الله سید
عبدالحسین شرف الدین رهبر متوفی شیعیان لبنان را
لبیک گفت و به عنوان جانشین آن مرحوم، سرطمین
مادری خود ایران را به سوی لبنان ترک نمود. امام موسی
صدر در سوم شهریور سال ۱۳۵۷ و در آخرین مرحله از
سفر دوره ای خود به کشورهای عربی، بنا بر دعوت
رسمی معمر قذافی، وارد لیبی گردید و در روز ۹
شهریور ربوده شد. دستگاه های قضایی دولت های
لبنان و ایتالیا و هم چنین تحقیقات انجام شده از سوی
واتیکان، ادعای رژیم لیبی مبنی بر خروج امام از آن
کشور و ورود ایشان به رم (پایتخت ایتالیا) را رسماً
تکذیب نموده اند. مجموعه اطلاعات آشکار و پنهانی
که طی دو دهه پیش به دست آمده است، تماماً دال بر آن
هستند که امام موسی صدر، هرگز خاک لیبی را ترک
نگفته است و دولت لیبی و شخص معمر قذافی، متهم
اصلی این پرونده به شمار می آیند.

بنیاد جهانی پیگیری پرونده امام موسی صدر، با راه
اندازی یک سایت اینترنتی با نام ۱۴ میلیون
(www.14000000.com) اعلام آمادگی کرده است، به هر
گونه خبر موثق و دقیق که به روشن شدن سرنوشت
پرونده امام موسی صدر کمک نماید، جایزه بدهد. به
گزارش "شیعه نیوز"، این بنیاد خود را یک بنیاد
غیرانتفاعی معرفی کرده و ابراز داشته به هیچ سازمان
سیاسی و دولتی وابستگی ندارد و تنها یک بنیاد خیریه
می باشد. این بنیاد هم چنین اعلام داشته است که این
حرکت، اولین اقدام عملی در این خصوص می باشد و
در آینده، اقدامات دیگری را نیز در دستور کار خود قرار
خواهد داد. این سایت هم اکنون به زبان فارسی می باشد
و در آینده نزدیک، به زبان های انگلیسی و عربی به
فعالیت خواهد پرداخت. بنیاد جهانی پیگیری پرونده
امام موسی صدر از همه آزادی خواهان خواسته است با
فشار بر دولت لیبی، این دولت را وادار به ادای توضیح
در خصوص ربوده شدن امام موسی نمایند. شایان ذکر
است: امام موسی صدر، در روز ۱۴ خرداد سال ۱۳۰۷
هجری شمسی در شهر مقدس قم دیده به جهان گشود.
پدر ایشان مرحوم آیت الله العظمی سید صدرالدین
صدر، جانشین مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ
عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم و از
مراجع بزرگ زمان خود بود. جد پدری ایشان مرحوم

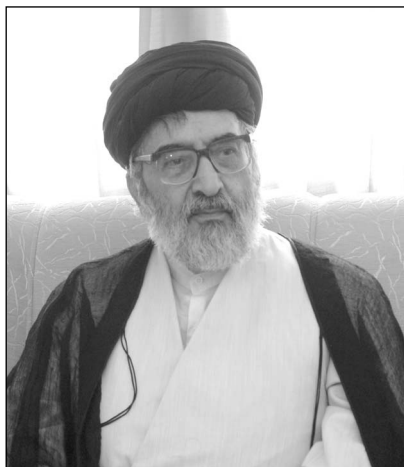
خواهر امام موسی صدر از پیگیری قضایی پرونده برادرش در دادگاه بین المللی خبر داد

وی در دیدار خود با برنار کوشنر
وزیر خارجه فرانسه، تصویر کامل
حقوقی درباره روند پی گیری قضایی
پرونده امام موسی صدر در لبنان و احکام
صادر شده از سوی دادگاه عالی لبنان
درباره دستگیری قذافی و نفر از مقامات
لیبی به عنوان عاملان آدم ربایی ارائه
کرد.
خواهر امام موسی صدر با اشاره به
آمادگی کوشنر برای همکاری در
پیگیری حقوقی پرونده برادرش گفت:
وی یکی از مشاوران خود را مسوول
تماس با خانواده صدر معرفی کرد.
خانم صدر افزود: قرار است کوشنر
در آغاز سال جدید میلادی از بیروت
دیدار و از موسسه امام موسی صدر نیز
بازدید کند.
خواهر امام موسی صدر گفت: ما از
دولت لبنان انتظار داریم که قضیه ربوده
شدن امام موسی صدر را به عنوان بندی
از بیانیه کاری دولت جدید قرار دهد و
دستگاه قضایی لبنان نیز موضوع را با
جدیت و فعالیت بیشتر دنبال کند.

بیروت- رباب صدر خواهر امام
موسی صدر درباره روند پیگیری قضایی
پرونده برادرش گفت: اقدامات لازم
برای تشکیل دادگاه بین المللی به منظور
مجازات ربایندگان امام موسی صدر را
آغاز کرده ایم.
وی پس از بازگشت از پاریس
درباره ارجاع پرونده امام موسی صدر به
دادگاه بین المللی افزود: از هر کاری
برای آزادی امام موسی صدر کوتاهی
نخواهیم کرد و در این راستا به دنبال
تشکیل دادگاه بین المللی برای محاکمه
مجرمانی هستیم که در ربودن امام موسی
صدر نقش داشتند.
وی به منظور شرکت در همایش
موسی صدر، امام گفتمان و آزاد اندیشی
که با همت کمیته بزرگداشت امام
موسی صدر در مقر یونسکو در پاریس
برگزار شد به فرانسه رفته بود.
خانم صدر دیدارهایی که در
پایتخت فرانسه برای پیگیری آزادی امام
موسی صدر و همراهانش از زندان های
لیبی انجام شده بود را ثمر بخش خواند.



همراه با جایزه حکمت سینوی



فرهنگ و تمدن اسلام و ایران و همچنین سیدجمال الدین اسدآبادی اهدا شد. استاد سیدهادی خسروشاهی، به سال ۱۳۱۷ ش در تبریز، به دنیا آمد و اجداد وی، جملگی از علمای بزرگ و فقهای نامدار ایران و عراق در دوران خود بوده اند. پدر وی، آیت الله سید مرتضی خسروشاهی از اجله علما و فقها و مراجع صاحب رساله آذربایجان، تحصیل کرده نجف بود و از وی علاوه بر رساله عملیه چاپ شده، و دیگر آثار ایشان کتاب (نقارات الکواکب الی خیارات المکاسب) و کتاب (حدیث الغدیر) در نجف و تبریز و قم، چاپ شده است و ایشان تالیفات دیگری نیز در فقه و اصول و مواعظ در (چهار جلد) دارند که مخطوط و موجود است.

استاد خسروشاهی تحصیلات مقدماتی را در تبریز به پایان رسانید و پس از رحلت والد محترم، ۱۳۳۲ ش و در ۱۶ سالگی، عازم قم شد و در درس حوزوی: فلسفه، تفسیر، فقه و اصول، در حضور اساتیدی چون آیت الله العظمی بروجردی، و بزرگانی دیگر تلمذ نمود و به دریافت اجازاتی در امور حسبیه (منوط به اذن فقها) به هم چنین در مراحل علمی بالاتر اجتهاد و نقل حدیث از علما و مراجع بزرگ نجف و قم و مشهد نائل آمد. از جمله استادان وی می توان از این بزرگان نام برد: آیات عظام: امام خمینی، سیدابوالقاسم خویی، سیدشهاب الدین نجفی مرعشی، سیدمحمد کاظم شریعتمداری، سیدمحمدصادق روحانی و احمد زنجانی، آیت الله میرزا عبدالجواد جبل آملی، آیت الله میرزا ابوالفضل زاهدی قمی و دیگران ... تالیفات و آثار استاد به زبان فارسی و عربی (علاوه بر صدها مورد در نشریات اسلامی ایران و جهان اسلام) بالغ بر ۸۰ جلد می شود که بیش از ۴۰ جلد آنها تاکنون بارها در داخل و خارج کشور تبع شده و بعضی از آنها بیش از ۳۰ بار تجدید چاپ شده است. علاوه بر تالیفات و ترجمه ها، ۱۲۰ جلد کتاب دیگر نیز با تحقیق، توضیح و یا مقدمه و اشراف ایشان در ایران و ایتالیا و مصر و ... چاپ و منتشر شده است.

از جمله آثار استاد ترجمه و تحقیق 'آمام علی صدای عدالت انسانی' استاد جرج جرداق در ۵ جلد و سه هزار صفحه است که بیش از ده بار و در دهها هزار نسخه تاکنون چاپ منتشر شده است... تدوین و تحقیق و نشر مجموعه آثار سیدجمال الدین حسینی در ۱۰ جلد و باز در بیش از سه هزار صفحه در ایران و مصر، یکی از خدمات ارزنده استاد است و در واقع این مجموعه، محصول نیم قرن تلاش و کوشش و تحقیق و بررسی درباره این شخصیت بزرگ ایران و کشورهای اسلامی است.

مجموعه حرکت های اسلامی معاصر در ۲۰

شد. وی، ویژگی بارز درس امام خمینی (ره) را پرورش روح دقت و آزادگی علمی می داند و بر حکیمانه بودن دیدگاه های امام در دروس حوزوی تأکید می نماید.

استاد جوادی آملی، در حدود ۲۵ سال از محضر علامه طباطبایی، در علوم نقلی و عقلی بهره بود و در خلوت و جلوت، انیس این مفسر بزرگ قرآن کریم بود. آیت الله عبدالله جوادی آملی، در طول عمر شریف خود، تاکنون خدمات علمی و فرهنگی شایان توجهی را به انجام رسانده است. وی از سالهای نخستین تحصیل، به تدریس در تربیت طلاب مبتدی می پرداخته است و تا کنون، شاگردان بسیاری را به عالم اسلام تقدیم داشته است. استاد، همواره بر تهذیب نفس در کنار تحصیل پای می فشرده و همواره شاگردان خود را به اخلاص در تبلیغ معارف وحیانی و انس همواره با قرآن و روایات سفارش می نماید.

از خدمات مهم فرهنگی استاد جوادی آملی، تأسیس مؤسسه تحقیقاتی و نشر اسراء در سال ۱۳۷۲ است. مؤسسه اسراء به منظور پژوهش در رشته های مختلف علوم اسلامی و پاسخ گویی به شبهات موجود در اسلام تأسیس شده است و تاکنون خدمات شایان توجهی را تقدیم داشته است.

استاد جوادی آملی که از یاران صدیق و از شاگردان میرزا امام خمینی (ره) بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز، آیت الله جوادی در مسؤولیت های گوناگونی به انجام وظیفه پرداخت. در سال های آغازین انقلاب، با حکم امام خمینی (ره) به ریاست دادگاه انقلاب و حاکمیت شرع منصوب شد و همچنین عضو شورای عالی قضایی بود. استاد جوادی آملی، سفرهای گوناگونی به کشورهای مختلف جهان، با انگیزه های تبلیغی و سیاسی انجام داده است. یکی از مهمترین سفرهای وی سفر به شوروی سابق برای تسلیم پیام امام خمینی (ره) به گورباچف، رهبر وقت اتحاد جماهیر شوروی بود که از دید صاحب نظران جهانی، پدیده ای بسیار مهم تلقی می شد. از دیگر سفرهای مهم وی، سفر به نیویورک و شرکت در نشست ادیان و ابلاغ پیام مقام معظم رهبری بود..

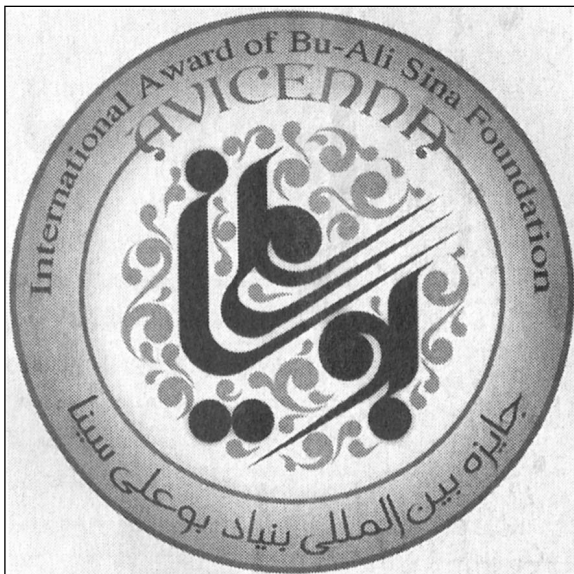
از دیگر مسؤولیت های وی، عضویت در مجلس خبرگان قانون اساسی و نیز عضویت در مجلس خبرگان رهبری در دوره های اول و دوم بود. وی همچنین از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پیش و پس از انقلاب اسلامی بوده است و نیز هم اکنون، امامت نماز جمعه شهر مقدس قم را بر عهده دارد. آیت الله جوادی آملی، هم اکنون در حوزه علمیه قم به تربیت طلاب می پردازد.

برخی از آثار استاد عبارتند از: تفسیر تسنیم- که تاکنون ۱۷ جلد آن منتشر شده است/ شرح حکمت متعالیه- در ۹ جلد/ فلسفه صدر/ فلسفه حقوق بشر. منزلت عقل در هندسه معرفت دینی/ حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه/ علی بن موسی الرضا و الفلسفه الالهیه و...

زندگینامه حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی

جایزه مفاخر جشنواره حکمت سینوی به حجت الاسلام و المسلمین سیدهادی خسروشاهی به پاس فعالیت های برجسته وی در معرفی و بزرگداشت عالمان و متفکران عرصه

سال تحصیل در تهران و با کسب اجازه از محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی آملی، در



سال تحصیلی ۱۳۳۴ - ۳۵ به حوزه علمیه قم آمد تا از محضر علمای آن دیار نیز بهره های فراوانی بگیرد. از آن سال، تاکنون وی در حوزه علمیه قم حضور دارد و ضمن بهره مندی از محضر علمای بزرگ این حوزه مبارکه، خود سر منشأ خیرات و برکات کثیری برای آن بوده است.

استاد جوادی آملی، در دوران تحصیلی خود، با استادان بنامی، انس داشته است. آیت الله جوادی آملی، دروس ادبیات را نزد پدرش و حجت الاسلام، عبدالله اشراقی شیخ احمدی اعتمادی و برخی دیگر خواند و بخش مهم شرح لمعه را نزد مرحوم آیت الله شیخ عزیزالله طبرسی فرا گرفت. بخش اوامر قوانین را در محضر آیت الله ضیای آملی و بقیه را از مرحوم آیت الله محمد غروی آموخت در روزهای تعطیل هم آملی شیخ صدوق را در محضر آیت الله ضیاء الدین آملی می خواند.

با ورود به تهران، به مدرسه علمیه مروی رفت و دروس سطح را در آنجا به پایان برد. از ویژگی های مدرسه مروی این بود که طلاب آن می بایست در کنار فراگیری علوم، قرآن نیز تلاوت کنند و سالی دوبار برای بازدید کتاب ها جلساتی تشکیل می شد. انس با کتابخانه نیز نصیب طلاب علوم می شد و توفیق بود تا محصلان با کتاب های خطی و چاپی آشنا شوند. استاد جوادی آملی، دروس رسائل و مکاسب را در محضر آیت الله سید عباس فشارکی، آقای شیخ اسماعیل جابلقی و آقا شیخ محمدرضا محقق خواند. در فلسفه نیز، شرح منظومه، طبیعیات، اشارات و بخشی از اسفار را نزد حاج شیخ ابوالحسن شعرانی و مقداری از شرح منظومه و شرح اشارات و بخشی از اسفار را خدمت آیت الله حاج میرزا مهدی محی الدین الهی قمشه ای که عارفی بی نظیر و صاحب دلی بی بدیل بود فراگرفت. برای آموختن شرح فصوص ابی عربی (شرح قیصری بر فصوص) به محضر آیت الله محمد حسین فاضل تونی رفت و دروس خارج فقه و اصول را نزد مرحوم شیخ محمدتقی آملی آموخت، ضمن اینکه در علوم معقول نیز از ایشان بهره های فراوان می برد.

با هجرت به قم، در سال تحصیلی ۱۳۳۴ - ۳۵ در درس بزرگان قم، از جمله آیت الله العظمی بروجردی (ره) حضرت امام خمینی (ره)، علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)، آیت الله محقق داماد (ره) و آیت الله میرزاهاشم آملی (ره) حاضر

نخستین دوره اهدا جایزه بین المللی بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا، بر پایه اساسنامه مصوب هیات امنای این بنیاد و طرح اجرایی شورای راهبردی به پنج برگزیده از ۵ گروه ابن سینا پژوهشی، فلسفی، پزشکی، حکمتانه و مفاخر نخستین جایزه بین المللی بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا اهدا شد. به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل بنیاد بوعلی سینا، آیت الله جوادی آملی به پاس فعالیت های برجسته در پیشرفت فلسفه اسلامی، واجد دریافت جایزه فلسفی بوعلی سینا، دکتر میکولوس ماروت به پاس فعالیت های برجسته در معرفی مکتب سینوی در گستره خارج از ایران واجد دریافت جایزه ابن سینا پژوهی، دکتر سیدحسین نصر به پاس فعالیت های برجسته در همبستگی دانش و معنویت برای ارتقای کیفیت زندگی واجد دریافت جایزه حکمتانه بوعلی سینا و دکتر علی اکبر ولایتی به پاس

فعالیت های برجسته در پیشرفت طب سنتی در ایران واجد دریافت جایزه پزشکی بوعلی سینا و حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی به پاس فعالیت های برجسته در شناخت معرفی سید جمال الدین اسدآبادی واجد دریافت جایزه مفاخر بوعلی سینا شدند. در ذیل به طور گذرا با زندگی این بزرگان آشنا می شویم.

زندگینامه حکیم متاله استاد آیت الله جوادی آملی



آیت الله عبدالله جوادی آملی، در سال ۱۳۱۲ ش در آمل به دنیا آمد. پدر و جدش میرزا ابوالحسن و ملا فتح الله از مبلغان اسلام و ارادتمندان به آستان ولایت بودند. وی پس از به پایان رساندن سال ششم ابتدایی، با پیشنهاد پدر وارد حوزه علمیه آمل شد و تا سال ۱۳۲۹ در آن شهر، به تحصیل پرداخت و بخشی از دروس سطح را در آنجا به پایان برد. پس از آن، به تشویق استاد خود، مرحوم آقا شیخ شعبانی نوری، عازم حوزه علمیه مشهد مقدس شد. اندکی بعد مشهد را ترک گفت و به همراه پدر، رهسپار تهران شد تا در آن حوزه عظیم در آن روزگار و در محضر بزرگانی همچون آیت الله حاج شیخ محمدتقی آملی، به تحصیل بپردازد. با ورود به مدرسه مروی و قبولی در آزمون ورودی آن، استاد به خواندن رسائل و مکاسب اشتغال یافتند. پس از آن به فراگیری کفایه الاصول پرداخت و سپس در دروس خارج استادان بنام حوزه علمیه تهران شرکت جست و همزمان، به فراگیری علوم عقلی نیز پرداخت. پس از حدود ۵

پزشکی در هیأت امنای فرهنگستان‌ها/ دبیر شورای مرکزی انجمن اسلامی پزشکان ایران/ مدیر مسئول و صاحب امتیاز مجله بیماری‌های عفونی گرمسیری / عضو شورای عالی نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران (از ۱۹ بهمن سال ۱۳۷۰) / رئیس گروه علمی طب سنتی و طب اسلامی فرهنگستان علوم پزشکی (از ۱۱ تیرماه ۱۳۷۱) / رئیس هیأت مدیره انجمن متخصصین بیماری‌های عفونی و گرمسیری ایران (از سال ۱۳۷۱)

نماینده فرهنگستان علوم پزشکی در هیأت امنای فرهنگستان‌ها از (۷۳/۵/۱۸) عضو هیئت تحریر مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین/ عضو انجمن اسلامی فارغ التحصیلان اروپا، آمریکا و اقیانوسیه (از سال ۱۳۷۴) / عضو افتخاری انجمن علمی پیوند اعضا (از سال ۱۳۷۴) / عضو هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی شهید بهشتی (۷۴/۱۲/۲۲) / عضو هیأت ممتهنه و ارزشیابی رشته تخصصی بیماری‌های عفونی دانشگاه علوم پزشکی تهران (۱۳۶۵ تا ۱۳۷۴) / عضو هیأت ممتهنه و ارزشیابی رشته فوق تخصصی عفونی اطفال (وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴) / عضو هیأت ممتهنه و امتحانات برد تخصصی بیماری‌های عفونی و گرمسیری (وزارت بهداشت و درمان آموزش پزشکی (۱۳۶۵ تا ۱۳۷۳) / عضو هیأت ممتهنه و ارزشیابی رشته و فوق تخصصی عفونی اطفال (وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶) / عضویت در انجمن‌های تخصصی پزشکی مجامع بین المللی / عضو انجمن تاریخ طب / رئیس کنفرانس منطقه‌ای IUATLD در ماه دسامبر ۱۹۹۵

تألیفات

۱- تاریخی: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران/ ایران و مسئله فلسطین/ بحران تاریخی هوین ایرانی/ مقدمه فکری نهضت مشروطیت/ تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه عباس اول صفوی/ تاریخ روابط خارجی ایران در عهده شاه اسماعیل صفوی / تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران / تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه.

۲- پزشکی: بیماری‌های عفونی/ بیماری‌های سل/ سل شناسی بالینی/ مبانی سل/ بیماری‌های عفونی کودکان/ مبانی آزمایشگاهی سل/ راهنمای مبارزه با سل/ گیاه درمانی/ مسایل رایج طب اطفال / اپیدمیولوژی و کنترل بیماری‌های شایع در ایران.

۳- ترجمه‌ها: طب کودکان/ پدیاتریکس/ مبانی طب کودکان نلسون/ بیماری‌های عفونی کودکان نلسون ۲۰۰۰ / دستگاه تنفسی کودکان نلسون ۲۰۰۰ / نوزادان نلسون ۲۰۰۰ / بیماری‌های نوزادان نلسون ۲۰۰۰

زندگینامه دکتر میکولوس ماروت



سال به اتمام می‌رسد و مرجع بزرگی برای پزشکان، متخصصان و دانش پژوهان خواهد بود. یننوع فعالیت‌های و پویش علمی مستمر دکتر ولایتی سبب شد تا جایزه پزشکی جشنواره به ایشان اهدا شود.

دکتر علی اکبر ولایتی در ۴ تیرماه ۱۳۲۴، در رستم آباد، یکی از محلات شمیران به دنیا آمد. پس از گذراندن دوران ابتدایی و دوره نخست دبیرستان در زادگاهش، به دبیرستان جم واقع در قلهک رفت و دوره دوم دبیرستان را با اخذ دیپلم طبیعی در سال ۱۳۴۳ در کنکور سراسری دانشگاه‌ها شرکت کرد و پس از کسب رتبه ۴۹ کشوری، برای تحصیل در رشته پزشکی به دانشگاه تهران رفت. با اتمام دوره دکتری، تخصص اطفال را در مرکز طبی کودکان دانشگاه تهران و فوق تخصص بیماری‌های عفونی را در دانشگاه جانز هاپکینز آمریکا گذراند. ولایتی در کنار تحصیل، در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۰، در مدرسه قائمیه و سپس در دبیرستان جهان آرای قلهک به تدریس اشتغال داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان معاون وزارت بهداشتی، نماینده مردم تهران در اولین دوره مجلس شورای اسلامی و بعد از آن به مدت شانزده سال، در دوره‌های ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، به عنوان وزیر امور خارجه فعالیت کرده است. پس از آن مشاور بین الملل مقام رهبری گردید و هم اکنون نیز در این سمت انجام وظیفه می‌کند.

علی اکبر ولایتی، دردانشگاه‌ها به تدریس مشغول است. وی علاوه بر تدریس در زمینه تاریخ فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی، و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و بنیاد دائره المعارف اسلامی نیز است. او ریاست بیمارستان دکتر مسیح دانشوری و جمعیت جمایت از پیوند اعضا را هم بر عهده دارد و همچنین عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

از سمت‌های اجرایی و علمی اوست: مشاور رهبری در امور بین الملل (از سال ۱۳۷۶ تاکنون) / وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (از آذر ماه ۱۳۶۰ لغایت خرداد ۱۳۷۶) / عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام (از بدو تأسیس تاکنون) / عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی (از سال ۱۳۶۸) / دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت از ۷۹ تا مهر ۱۳۸۱ / نماینده تهران در اولین دوره مجلس شورای اسلامی / معاون وزیر بهداشت سال ۵۸ / استاد تاریخ روابط خارجی ایران در دانشکده روابط بین الملل وابسته به وزارت امور خارجه (پیوسته در زمان وزارت و پس از آن) / استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (از سال ۵۳ تا ۷۶) / استاد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (از سال ۷۶ ادامه دارد) / رئیس شورای عالی نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران / عضو هیأت مدیره نظام پزشکی تهران (از ۳ مهرماه ۱۳۷۰) / عضو شورای عالی سیاست گذاری دایره المعارف دفاع مقدس / عضو پیوسته منتخب فرهنگستان علوم پزشکی ایران (از سال ۱۳۶۹) / عضو هیئت امنای بنیاد دایره المعارف اسلامی برای سه دوره عضو هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی تهران (از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۷۷) / عضو شورای عالی انستیتو تحقیقاتی سل و بیماری‌های ریوی کشور (از ۱۳۷۱) / رئیس هیأت تحریریه مجله پزشکی جمهوری اسلامی ایران / رئیس هیأت مدیره انجمن متخصصین بیماری‌های عفونی و گرمسیری ایران (از سال ۱۳۷۰) / رئیس شورای مرکزی انجمن اسلامی پزشکان ایران (از سال ۱۳۷۱) / رئیس مرکز آموزشی و پژوهشی درمانی سل و بیماری‌های ریوی / نماینده فرهنگستان علوم

ایشان علاوه بر فارسی و ترکی - آذری و استامبولی - و عربی، با زبان انگلیسی و ایتالیایی هم آشنایی دارد و پس از مراجعت به ایران، از واتیکان، ضمن ادامه اشتغال در وزارت امور خارجه (به عنوان مشاور وزیر) در دانشگاه‌های تهران از جمله دانشکده حقوق و علوم سیاسی و دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه و غیره به تدریس پرداخت. آثار پرتعداد ایشان درباره سیدجمال الدین اسدآبادی در طول نیم قرن انتشار یافته و بسیاری از حقایق را روشن ساخته، مجموعه‌ای بی بدیل از تحقیق تاریخی است. بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا با توجه به همین کارنامه پر بار، جایزه مشاهیر را به استاد سیدهادی خسروشاهی اهدا می‌نماید. این آثار ده‌ها جلد کتاب و صدها مقاله را شامل می‌شود. از جمله کتاب‌های ایشان می‌توان به این آثار اشاره کرد: مجموعه کامل آثار سید جمال الدین حسینی (در ۹ جلد و ۳۵۰۰ صفحه، چاپ قاهره، مکتبه الشروق الدولیه) اسناد وزارت خارجه انگلیسی درباره سید (متن کامل اسناد با ترجمه گزیده‌ای از آنها) اسناد سید جمال الدین در وزارت خارجه ایران (در ۴۰۰ صفحه) دفاع از سید جمال الدین حسینی، نقش سید جمال الدین در بیداری مشرق زمین، نامه‌ها و اسناد سیاسی سید جمال الدین... (و چند کتاب دیگر)...

زندگینامه دکتر علی اکبر ولایتی



دکتر علی اکبر ولایتی، از چهره‌های شناخته شده است. او گرچه در صحنه سیاست در دورانی از بحرانی ترین روزگار میهن اسلامی سیاست خارجی کشورمان عهده دار مسئولیت بوده است اما به دامنه مسائل علمی و فرهنگی در همه ایام توجه داشته است. دکتر ولایتی رئیس گروه طب سنتی واسلامی در فرهنگستان علوم پزشکی به همراه یاران صاحب نظرش مصمم بوده تا در تعامل با نهادها و مراکز مرتبط، طب سنتی اسلامی را با تأویل و تبیین دقیق علمی به حوزه زندگی مردم بازگردانند تا این میراث بی نظیر تاریخی، علمی و تمدنی هم چنان بالنده و پوینده راههای رشد و ارتقای خود را طی کند. حوزه پزشکی و طب از شاخص‌های مهم تمدنی ماست. به همت دکتر ولایتی و یارانش در عرصه طب سنتی و معرفی این حوزه از دانش ایرانی و اسلامی، فعالیت‌های مهمی انجام پذیرفته است که ما بسیار مغتنم است. از جمله می‌باید به انتشار کتاب‌های بسیار مهم "ذخیره خوارزمشاهی" از حکیم سیداسماعیل جرجانی و "الحاوی" تألیف محمدبن زکریای رازی توسط فرهنگستان علوم پزشکی اشاره کرد.

تألیف کتب دایره المعارف پزشکی اسلام و ایران برای اولین بار در حال انجام است. این کتاب دارای ۲۰۰۰ مدخل است. مدخل‌ها شامل معرفی شخصیت‌های پزشکی، بیماری‌ها، طرق معالجه و داروهاست. این کار در دنیا برای اولین بار انجام می‌شود و دایره المعارف مذکور در ۴ جلد طی ۱۰

جلد (تاکنون ۶ جلد آن چاپ شده است)، اسناد نهضت اسلامی ایران در ۱۰ جلد (دو جلد آن تاکنون انتشار یافته است) و مجموعه آثار استاد علامه طباطبایی در ۱۶ جلد از جمله آثاری است که استاد در تهیه و تألیف و یا جمع‌آوری و تحقیق و ویرایش آنها زحمت و رنج فراوان را پذیرا شده است. ایشان علاوه بر تألیفات و ترجمه‌های خود، همواره در تدوین و تنقیح و نشر آثار اساتیدی چون: آیت‌الله کاشف الغطاء، علامه سیدمحمدحسین طباطبائی، حاج سراج انصاری، علامه محمدمحیط طباطبائی، سیدغلامرضا سعیدی، محمد نخشب و ... کوشا بوده و خدمات ارزنده‌ای در حفظ فرهنگ اسلامی و نشر اندیشه اصیل اسلامی نموده است. و به همین دلیل استاد محمدرضا حکیمی ایشان را فرهنگبان کوشا نامیده است.

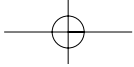
بیشتر کتاب‌ها و آثار خود استاد خسروشاهی در زمینه‌های مسائل اجتماعی، سیاسی مورد نیاز جامعه اسلامی است و این آثار به تصدیق اهل خرد، در روشنگری نسل جوان معاصر، بی شک تأثیر بسزا و نقشی درخور اهتمام داشته است.

استاد از سال ۱۳۳۲ و تاکنون، با اغلب مطبوعات اسلامی از جمله: مکتب اسلام، مکتب تشیع، معارف جعفری، راه حق، ندای حق، وظیفه، مجموعه حکمت، نور دانش، آیین اسلام، مسلمین، آستان قدس، نسل نو، نسل جوان، استوار، پیکار اندیشه، مهد آزادی و ... همکاری داشته است که مجموع مقالات مندرج در آنها بالغ بر صدها مقاله می‌گردد.

پس از پیروزی انقلاب، بیشترین همکاری قلمی را با روزنامه اطلاعات دارد و با شرکت در کنفرانس‌ها و کنگره‌های اسلامی، در کشورهای اروپایی و اسلامی از جمله: پاکستان، مصر، الجزائر، عربستان، سوریه، قطر، ترکیه، لبنان، ایتالیا، انگلیس، آلمان، سوئیس و ... به عنوان نماینده امام خمینی و یا نماینده حوزه علمیه قم فعال بوده است. استاد در مسئله تقرب بین مذاهب اسلامی، از نیم قرن پیش از پیشگامان این حرکت اصلاحی به شمار می‌رود و مکاتبات ایشان با علامه شیخ محمدتقی قمی، مؤسس دارالتقرب قاهره، در نیم قرن پیش شاهد چگونگی این امر است و باز در همین راستا استاد با اغلب حرکت‌های اسلامی معاصر و رهبری، آنها در سراسر جهان اسلام ارتباط و پیوند نزدیکی داشته است.

او به سال ۱۳۵۲ شمسی، مرکز بررسی‌های اسلامی قم و سپس در سال ۱۳۶۱، مرکز فرهنگی اسلامی اروپا را در ایتالیا تأسیس نمود و در زمینه‌های اسلامی، کتاب‌های بنیادین از جمله: قرآن مجید و نهج البلاغه را به زبان‌های: عربی، انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی و غیره، ترجمه و منتشر ساخته است.

وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نخست به مدت دو سال به عنوان نماینده امام خمینی قدس سره در وزارت ارشاد اسلامی فعال بود، و سپس به سفارت جمهوری اسلامی ایران در واتیکان انتخاب شده و به مدت ۵ سال در خارج از کشور به فعالیت پرداخت که تأسیس "مرکز فرهنگی اسلامی اروپا" در رم و تأسیس دو ماهنامه به انگلیسی به نام‌های: آنکواتری و امریکن ایونتنس و مجله‌ای هفتگی به زبان عربی العالم در لندن - با همکاری وزارت ارشاد اسلامی - از آثار این دوران است.... در ایتالیا، علاوه بر چاپ و نشر ترجمه قرآن مجید و نهج البلاغه به زبان ایتالیایی و نشر ماهنامه‌ای به نام جهان نو به ایتالیایی، جمعاً در مدت ۵ سال ۱۶۲ نوع کتاب و نشریه به زبان‌های: فارسی، عربی، انگلیسی، ایتالیایی و فرانسوی، منتشر نموده که در سراسر جهان توزیع گردیده است.



جایزه ابن سینا پژوهی به پروفیسور میکولوس ماروت به پاس معرفی مکتب سینوی در گستره خارج از ایران اختصاص یافت. میکولوس ماروت متولد ۵ فوریه ۱۹۴۳ در مجارستان است. وی پس از اتمام تحصیلات اولیه، به دانشگاه راه یافت و در رشته زبان‌های کلاسیک لاتیم و یونانی تحصیل کرد. او متخصص در فقه اللغه زبان‌های سامی-عربی و فارغ التحصیل در زبان‌های آشوری است. پروفیسور ماروت دارای درجه دکترا در رشته آسیای مرکزی، با موضوع بازنگری خوارزمی در جغرافیای بطلمیوس و درجه دکتری در علوم زبان شناسی برای نگارش رساله منطق یونانی در شرق است.

فعالیت‌های پژوهشی و سمت‌های علمی و حرف‌های او یکسره در ارتباط با مسائل فکری مورد علاقه اوست. وی به دلیل فعالیت‌های خاص در عرصه شناختن، پژوهیدن و شناساندن ابن سینا در موسسه ابن سینا برای مطالعات خاورمیانه که خود ریاست آن را نیز بر عهده دارد، برگزیده جایزه ابن سینا پژوهی بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا شده است. برخی دیگر از سمت‌ها و زمینه‌های پویش علمی و شغلی پروفیسور ماروت با قید سال فعالیت بدین قرار است: ۱۹۶۴- ۶۵ طی یکسال تحصیل در دانشگاه بغداد،: ۱۹۷۳-۶۳ گذراندن دوره مطالعاتی در دانشگاه وین،: ۱۹۷۸ حضور یکساله و پژوهش در موسسه مطالعات شرقی علوم شوروی در لنینگراد،: ۱۹۶۷- ۷۰ کار در کتابخانه آکادمی علوم مجارستان.

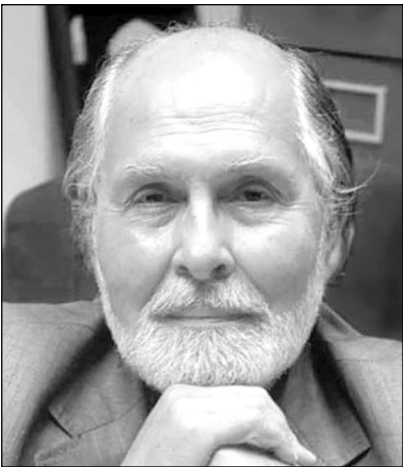
۱۹۸۸: رئیس مرکز مطالعات کلاسیک در آکادمی علوم مجارستان،: ۲۰۰۱-۱۹۹۲ مدیر دپارتمان علوم انسانی دانشگاه کاتولیک پازمانی پتر،: ۱۹۹۲ استاد فقه اللغه کلاسیک و سامی (عربی) در دانشگاه کاتولیک پازمانی پتر، دپارتمان علوم انسانی

۲۰۰۴-۱۹۹۵ عضو همکار آکادمی مجارستان، ۱۹۹۶: عضو آکادمی اروپایی،: ۱۹۹۸ عضو اتحادیه اروپایی عرب شناسان

۲۰۰۰: عضو جامعه بین المللی جامعه بین المللی مطالعات تاریخ علوم در اسلام (پاریس)، نماینده آکادمی علوم مجارستان در اتحادیه بین المللی آکادمیک،: ۲۰۰۴-۲۰۰۱ عضو شورای آکادمی اروپا، عضو رسمی آکادمی علوم مجارستان، عضو دفتر اتحادیه بین المللی آکادمیک

۲۰۰۵-۲۰۰۸: رئیس دپارتمان ادبیات و زبان شناسی در آکادمی علوم مجارستان،: ۲۰۰۷-۲۰۰۸ نائب رئیس اتحادیه بین المللی آکادمیک،: ۲۰۰۷ رئیس اتحادیه بین المللی آکادمیک،: ۲۰۰۸ نائب رئیس آکادمی علوم مجارستان

فیلسوف متاله استاد دکتر سیدحسین نصر



دکتر سیدحسین نصر به دلیل فعالیت‌های همبستگی ساز دانش و معنویت در ارتقای کیفیت

زندگی برنده جایزه حکیمانه بوعلی سینا شد. در جهان آشوب زده امروز، دینداران و به ویژه مسلمانان با دشواری‌های فراوان روبرو هستند. از میان متفکران و متألّهان کشورهای گوناگون، تنها چندتن توانستند با آرمان‌ها و رسالت‌هایی جهانی پاسخگوی نیازهای بزرگ آحاد و اجتماعات انسانی باشند.

دکتر سیدحسین نصر اندیشمند برجسته و نامدار ایران و اسلام بی‌گمان یکی از شاخص‌ترین این چهره‌ها محسوب می‌شود. او امروز یک صدای بین المللی برای صلح، دینداری و دفاع از حریم سنت و معنویت و حکمت است. استاد دکتر سیدحسین نصر سال ۱۳۱۲ در تهران به دنیا آمد. پدرش، سید ولی‌الله، همانند پدربزرگش پزشک بود و اهل کاشان. او از جانب مادر نواده شیخ فضل‌الله نوری است. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ای نزدیک خانه خود در خیابان جمهوری گذرانید. در همان کودکی شروع به آموختن زبان فرانسه کرد و علوم اسلامی را نزد پدر خود می‌آموخت. سپس به دبیرستان فیروز بهرام جهت ادامه تحصیل رفت. در دوازده سالگی به آمریکا فرستاده شد. او در مدرسه شبانه روزی پدی در نیوجرسی ثبت نام کرد. در سال ۱۹۵۰ رتبه ممتاز اول مدرسه خود را به دست آورد. در چهار سال تحصیلات این مدرسه، نصر زبان انگلیسی، علوم، تاریخ آمریکا، فرهنگ غربی و تعلیم مسیحی را آموخت. استاد نصر برای ادامه تحصیلات دانشگاهی انستیتوی تکنولوژی ماساچوست را برگزید.

در همان زمان بورس تحصیلی به او تعلق گرفت و او نخستین دانشجوی ایرانی بود که در مقطع لیسانس در آن موسسه به تحصیل پرداخت. او رشته فیزیک را برای ادامه تحصیل برگزید. نصر در MIT تحت تأثیر فیلسوف بزرگ فریتهوف شوان قرار گرفت و بالاخره توانست با کارنامه‌ای درخشان فارغ التحصیل شود. تحصیلات تکمیلی خود را سپس در دانشگاه هاروارد آغاز کرد و پس از دریافت کارشناسی ارشد در رشته ژئوفیزیک دو سال بعد در سال ۱۹۵۸ در رشته تاریخ علم با گرایش علوم اسلامی با درجه دکتری فارغ التحصیل شد. استاد دکترنصر بعد از فراغت از تحصیل به ایران آمد و ریاست دانشگاه صنعتی شریف را عهده دار شد. او در زمینه عرفان و فلسفه اسلامی درستی چیره دارد و مباحث وی با استاد شهید مرتضی مطهری و علامه رفیعی قزوینی بازتاب‌های مثبت و فراوانی در محافل دینی و فرهنگی دهه چهل شمسی داشت. دکتر نصر از همکاران اصلی هانری کربن در تهیه کتاب (تاریخ فلسفه اسلامی) بوده است و از شاگردان وی می‌توان به دکتر غلامرضا اعوانی و ویلیام چیتیک اشاره کرد. وی مدتی نزد علامه طباطبایی به تلمذ پرداخت، بسیار تحت تأثیر علامه قرار گرفت و کتاب (شیعه در اسلام) آن زنده یاد را به انگلیسی بازگرداند.

نصر به دلیل عمق مطالعات علم شناسی، فلسفی، اسلامی و دین شناسی تطبیقی، پیوند با جریان فکری (حکمت خالده) و شخصیت برجسته ان فریتهوف شوان، تألیف کتب فراوان درباره اسلام در دنیای کنونی به زبان انگلیسی تبدیل به جهانی‌ترین اندیشمند مسلمان دنیای معاصر شده است. آثار این اندیشمند به زبان‌های مختلفی از جمله انگلیسی، عربی، فرانسه، ترکی، اندونزیایی، مالزیایی، هلندی، ایتالیایی، ژاپنی، آلبانیایی، صربی، کراواتی، اردو، بنگالی، پرتغالی و اسپانیایی ترجمه شده است. پس از انقلاب نصر به اتفاق خانواده خود به آمریکا مهاجرت کرد و پس از چندین سال تدریس در دانشگاه‌های مختلف در آمریکا،

بالاخره پیشنهاد کرسی دائم استادی در دانشگاه جرج واشنگتن به وی داده شد که او هم پذیرفت و تا امروز در همانجاست. فرزندش ولی رضا نصر نیز یکی از شناخته شده ترین صاحب نظران و استادان مسائل خاورمیانه و اسلام است و از اعضای فعال شورای روابط خارجی آمریکا به شمار می‌رود.

از آثار مهم دکتر نصر اینهاست: جوان مسلمان و دنیای متجدد/ معرفت و امر قدسی/ اسلام تنگناهای انسان متجدد/ تاریخ فلسفه اسلامی (با همکاری هانری کربن)/ سه حکیم مسلمان (ابن سینا، ابن عربی و سهروردی)/ آموزه‌های صوفیان از دیروز تا امروز/ قلب اسلام (پس از حادثه ۱۱ سپتامبر نوشته شد)/ کتابشناسی بیرونی/ آرمان‌ها و واقعیات اسلامی/ هنر اسلامی و معنویت/ جلال الدین رومی، شاعر و حکیم والامقام ایرانی/ مقدمه‌ای بر اصول جهان شناسی اسلامی/ نیاز به علم مقدس/ محمد، مرد خدا/ مکه مکرمه و مدینه منوره/ دین و نظا طبیعت/ هنر مقدس در فرهنگ ایرانی/ سنت عقلانی اسلامی در ایران/ معرفت و معنویت/ معرفت جاودان/ در جستجوی امر قدسی/ نظر متفکران مسلمانان درباره طبیعت/ علم و تمدن در اسلام/ و...

دکتر سید حسین نصر در مقاله مفصل و پرباری که به زبان انگلیسی در نخستین شماره مجلهٔ اطلاعات حکمت و معرفت سال ۱۳۸۴ تحت عنوان "عرفان نظری و تصوف علمی و اهمیت آنها در دوران کنونی"

(Theoretical Gnosis and doc (Theoretical Gnosis and doc نوشت، ضمن یادآوری از بزرگان عرفان و معنویت تشیع، مشخصاً از مقام معنوی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) یاد کرد و در نگرشی عرفانی - اجتماعی، نهضت امام و ورود ایشان به عرصه حکومت و سیاست را تحلیل کرد که با استقبال گستردهٔ فرهیختگان مواجه شد. آنچه در پی می‌آید، بخشی مختصر از آن مقاله بلند و به یاد ماندنی با ترجمه هنرمندانهٔ آقای دکتر انشاءالله رحمتی است:

...با گسترش و رواج تشیع دوازده امامی در ایران در دوران صفویه، تحولی در فضای تدریس و تحصیل عرفان ایجاد شد. در دوران اولیه حکومت صفویان، بسیاری از طرق تصوف رواج و رونق یافت؛ اما از قرن ۱۷ و ۱۸ به این سو، به خصوص در میان علمای شیعه که از این پس به جای لفظ "تصوف" از لفظ "عرفان" استفاده می‌کردند، مخالفت‌هایی علیه تصوف صورت گرفت. هرچند انواع دیگر آثار صوفیانه و عرفانی در این دوران از سوی طریقه‌های مختلف صوفیه مانند "طریقه ذهبیه" انتشار می‌یافت و عرفان شیعی نیز در برخی محافل رونق یافته بود، ولی در قیاس با دوران قبل، آثار جدید اندکی در این دوره در موضوع عرفان نظری به منصه ظهور رسید. تأثیر اصلی مکتب ابن عربی از طریق آثار ملاصدرا (م ۱۰۵۰) نمایان شد. ملاصدرا سخت متأثر از آرای شیخ اکبر (ابن عربی) بود و در اسفار و دیگر آثار خویش به وفور مطالبی را از ابن عربی نقل می‌کند؛ ولی به بیان اصطلاحی، مکتب ملاصدرا به نام حکمت شناخته می‌شود نه به نام عرفان، گو اینکه ملاصدرا عارف هم بود و کاملاً به تعلیم ابن عربی احاطه داشت؛ ولی ملاصدرا عناصری از تعلیم عرفانی را در "حکمت متعالیه" خویش تلفیق کرد و بر خلاف ابن عربی یا قونوی رساله‌های مستقلی در موضوع عرفان محض تألیف نکرد.

مکتب عرفان نظری در دوران صفویه تداوم یافت، ولی حرکت عمده فکری این دوران متوجه ایجاد مکتب "حکمت متعالیه" بود که آرای اصلی

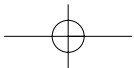
عرفان مانند نظریه وحدت وجود را در نظام فلسفی خویش تلفیق کرده بود؛ ولی ساختار نظریات این مکتب، شیوه بیان و نوع استدلال و احتجاج آن، از عرفان متمایز است. به علاوه موضوع حکمت "وجود به شرط لا" است، حال آنکه موضوع عرفان "وجود لا بشرط" است.

در دوران قاجار تعلیم عرفان نظری به صورت جدی احیا شد و شروع مهمی درباره متون اصلی این سنت به رشته تحریر درآمد. این احیای عرفان نظری مقارن با احیای تعلیم مکتب ملاصدرا بود و بسیاری از اساتید این دوران هم حکیم بودند و هم عارف، و حال آنکه عرفان همچنان تأثیری عمیق بر فلسفه داشت. نخستین شخصیت برجسته دوران قاجار در زمینه عرفان که باید در اینجا از او یاد کرد، سید رضی لاریجانی (م ۱۲۷۰ق) است که در حکمت شاگرد ملا علی نوری بود؛ ولی در مورد شجره او در عرفان مطالب چندانی نمی‌دانیم. گفته‌اند که او حالات روحانی رفیعی داشت و معاصرانش او را صاحب حال، مالک باطن لقب داده‌اند. می‌دانیم که در اصفهان به تدریس فصوص و تمهیدالقواعد اشتغال داشت و او را مرشد طریقت و همچنین استاد عرفان نظری می‌دانسته‌اند.

مهمترین شاگرد سید رضی، آقا محمد رضا قمشه‌ای (م ۱۳۰۶ق) است که بسیاری از صاحب نظران ایرانی در زمینه عرفان، او را ابن عربی ثانی و برجسته‌ترین شارح متون عرفانی مانند فصوص از زمان قونوی به بعد، می‌دانند. آقا محمدرضا در اصفهان تحصیل و بعدها به تهران مهاجرت کرد و شاید از این پس تهران به مدت چندین دهه مهمترین مرکز آموزش عرفان نظری شد. او در تهران شاگردان بسیاری هم در حوزه عرفان و هم در حوزه حکمت تربیت کرد. همچنین تعلیقه‌ها و شروح مهمی بر آثاری چون تمهیدالقواعد و شرح قیصری بر فصوص و آثار ملاصدرا به رشته تحریر درآورد و رساله‌های مستقلی نیز تألیف کرد.

یکی از شاگردان برجسته آقا محمد رضا، میرزاهاشم اشکوری رشتی (م ۱۳۳۲ق)، شارح مصباح الانس بود که سرپرستی حوزه تدریس عرفان را در تهران پس از آقا محمدرضا به عهده گرفت. او نیز استاد حکیمان و عارفان سرشناس قرن گذشته مانند میرزا مهدی آشتیانی (م ۱۳۶۲ق)، میرزا احمد آشتیانی (م ۱۳۵۹)، سیدمحمدکاظم عصار (م ۱۳۹۶ق) و محمدعلی شاه‌آبادی (م ۱۳۶۹ق) بود. محمدعلی شاه‌آبادی شخصیتی مخصوصاً درخور اهمیت است، اما نه فقط به‌خاطر نوشته‌های خود او در زمینه عرفان که "رشحات البحار" از آن جمله است، بلکه به این دلیل که او استاد آیت‌الله خمینی (ره) در عرفان نظری است. آیت‌الله خمینی (ره) فصوص را در محضر او بدون حضور هیچ شاگرد دیگری فراگرفت. بسیاری از اندیشه‌های آیت‌الله خمینی در تعلیقات، شرح دعای سحر و مصباح الهدایه الی الخلافه والولایه، بیانگر تفاسیر مرحوم شاه‌آبادی است و او خود برای استاد خود احترام و شأن و منزلت والایی قائل بود.

شهرت و نفوذ سیاسی گسترده آیت‌الله روح الله خمینی (ره)، مانع از آن شده است تا بسیاری از مردم در جهان غرب و حتی در خود جهان اسلام خارج از ایران، آثار عرفانی وی و حتی جایگاه رفیعش در تاریخ ممتد عرفان نظری را به طور جدی مورد توجه قرار دهند. تردیدی نیست که او در سنین جوانی علاقه مند به عرفان شد و در سالهای بعد نیز که به تحصیل علوم نقلی و حتی حکمت اشتغال داشت، عشق و علاقه شدید وی به عرفان همچنان پابرجای ماند، با آنکه البته او استاد مبرز حکمت متعالیه ملاصدرا هم بود. او



پیشگفتار

در آثار خویش میان عرفان شیعی و عرفان ابن عربی جمع کرده است.

برای مثال شرح دعای سحر^۱ به سنت عرفان شیعی تعلق دارد و تعلیقات علی شرح فصوص الحکم^۲ و مصباح الانس متعلق به سنت عرفان ابن عربی است؛ البته سنت ابن عربی به همان صورتی که عارفان شیعه طی قرون گذشته آن را تفسیر کرده و آرای بدیع بسیاری را در مقام فهم این متون کلاسیک مطرح ساخته‌اند. کتاب ’مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه‘، ترکیبی از این دو مکتب عرفان است. دیگر آثار عرفانی آیت‌الله خمینی(ره)مانند چهل حدیث، سرالصلوه، آداب الصلوه و شرح حدیث جنود عقل و جهل، آثاری است که ماهیتی باطنی و عرفانی دارد و این آثار یادآور آثار امثال فیض کاشانی یاقاضی سعیدقمی است و حتی به آثاری قدیمی‌تر از آثار فیض کاشانی و قاضی سعید، یعنی‌به آثار کلاسیک تصوف شباهت دارد. و البته نمی‌توان آنها را کاملاً تحت مقوله عرفان نظری به معنایی که قبلاً در این مقاله تعریف کردیم محسوب کرد.در ضمن، آیت‌الله خمینی اشعاری که دارای ماهیت حکمی و عرفانی نیز هست، سروده است.

برای بسیاری از افراد جالب توجه است و حتی ممکن است شگفت‌آور باشد که می‌بینند آیت‌الله خمینی(ره) که در اوایل عمرش نه فقط به عرفان نظری بلکه به عرفان عملی که بر ریاضت و عزلت و ترک دنیا تأکید می‌کند، بسیار علاقه‌مند بود، در اواخر عمرش کاملاً وارد صحنه سیاست شده است. کلید این معما را بیش از هر چیز باید در همان مراحل سلوک معنوی و سفر آدمی از خلق به سوی حق و رجعت وی از حق به سوی خلق که ملاصدرا در آغاز اسفار اربعه به آن پرداخته است، جستجو کرد. این اسفار هم شامل مرحله سفر از ’خلق‘ به ’حق‘ است و هم شامل مرحله بازگشت به ’خلق‘ به همراه ’حق‘. ثانیاً کلید این معما را باید در تفسیر آیت‌الله خمینی(ره) از مراحل این سفر و چگونگی تطبیق آن در مورد خودش و رسالتش در زندگی جستجو کرد. به هر تقدیر اگر چه بخش اخیر زندگی وی به حسب ظاهر باز زندگی آقا محمدرضا بسیار متفاوت است، ولی بخش نخست زندگی وی بسیار شبیه به همان شخصیتی است که او وی را استاد الاساتید^۳ خوانده است. آیت‌الله خمینی نیز همانند آقا محمدرضا ذوق شعری داشت و سخت مستغرق در سنت شعر عارفانه بود.

لازم است در آینده مطالعات دقیق‌تری درباره رابطه میان جنبه‌های نظری و عملی زندگی آیت‌الله خمینی(ره) در ارتباط با تعالیم عرفان و به طور کلی درباره زندگی چند شخصیت سیاسی معروف جهان اسلام در قرن ۲۰^۴، مانند حسن البنا، بنیانگذار جنبش اخوان المسلمین و مولانا مودودی بنیانگذار ’جماعت اسلامی‘ پاکستان، صورت گیرد. حسن البنا و مودودی نیز هر دو، در حالی که اوایل عمر به نحوی از انحا خویش را وقف تصوف کرده بودند، سخت درگیر فعالیت‌های سیاسی شدند؛ اما در مورد هیچ یک از شخصیت‌های سیاسی معروف جهان اسلام در قرن ۲۰^۵/ ۱۴، پیوندی آن چنان نزدیک با تصوف و عرفان به صورتی که در مورد آیت‌الله خمینی(ره) دیده می‌شود، وجود نداشته است. مشاهده شخصیت‌هایی از این قبیل، مسائل مهمی را در خصوص فهم رابطه میان تصوف و عرفان از یک سو و فعالیت سیاسی ظاهری از سوی دیگر، مطرح می‌کند. اما چنین مسائلی در اینجا موضوع بحث ما نیست. آنچه در اینجا باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که

آیت‌الله خمینی(ره) صرف نظر از دیدگاهها و فعالیت‌های سیاسی‌اش، شخصیتی مهم در تاریخ بلند عرفان نظری در جهان اسلام محسوب می‌شود.

سنت عرفان نظری تا به امروز در ایران پابرجاست. پس از نسل شخصیت‌هایی چون آیت‌الله خمینی و علامه طباطبایی (م ۱۴۰۴ق) که عارفی‌بزرگ بود، ولی شرحی بر آثار ابن عربی ننوشت، و همچنین سید محمد کاظم عصار که از اساتیدمهم عرفان به شمار می‌آمد، شخصیت‌های برجسته‌ای چون سید جلال‌الدین آشتیانی، حسن‌زاده آملی و جوادی آملی که هر دو شخصیت اخیر هنوز در قم به تدریس اشتغال دارند، در عرصه عرفان ظاهر شدند. شرح آشتیانی بر مقدمه قیصری بر فصوص، و همچنین دیگر شروح وی چون شرح بر تمهید القواعد و نقدالنصوص^۶، از مهمترین متون عرفانی دوران معاصر محسوب می‌شود. در عین حال شرح حسن‌زاده آملی بر فصوص با عنوان ’ممدّ الهمم در شرح فصوص الحکم‘ و نیز تحریر تمهید القواعد^۷ به قلم جوادی آملی، هر دو به خوبی نشان می‌دهد که مکتب عرفان نظری در ایران حیاتی پر از نشاط دارد...

معرفت به ’حقیقت برین‘ یا ’جوهر برین‘ خود برترین نوع معرفت است و اصل و اساس معرفت اصیل نیز همین است. همان‌طور که فریتهوف شووان گفته است: ’گوهر شناخت همان شناخت گوهر برین است.‘ این شناخت در کنه قلب (یا عقل شهودی) آدمی موجود است و تحصیل آن بیشتر به صورت ’بازیافتن‘ است تا ’یافتن‘... تحصیل این شناخت همیشه نیازمند شهود عقلی است که در نهایت موهبتی الهی و در واقع قوه چشیدن حقیقت است. در سنت اسلامی این شناخت برتر یا عرفان با صفات ذوق، حدس، اشراق و حضور همراه است. کسانی که توانایی فهم عرفان را دارند، باید از موهبت‌های خاص شهود عقلی برخوردار باشند (در ضمن این شهود عقلی را نباید با استدلال و احتجاج عقلی خلط کرد). به علاوه، در اسلام عرفان همیشه با معنای باطنی وحی مرتبط بوده است و تحصیل عرفان منوط به نیروی سلوکی و باطنی ولایت است که از منبع نبوت سرچشمه می‌گیرد و بسیاری از عارفان بزرگ مسلمان از ابن عربی گرفته تا سید حیدر آملی، و از آقا محمد رضا قمشه‌ای گرفته تا محمد علی شاه‌آبادی تا آیت‌الله خمینی(ره) همه با تفسیر و تعبیرهای مختلف درباره همین ولایت سخن گفته‌اند...

می‌توان گفت موضوع برتر عرفان همان مبدأ اعلی یا حق است که مطلق و نامتناهی است و حتی به شرط اطلاق و عدم تناهی هم محدود نیست و عرفا اغلب گفته‌اند که حق وجود مطلق است و حتی به قید مطلق بودن هم مقید نیست؛ بنابراین موضوع عرفان همان حق است که هم ورای وجود است و هم وجود مطلق. عارفان متأخر این موضوع برتر عرفان را ’وجود لا بشرط مقسمی‘، یعنی وجود کاملاً غیر مقید و غیر مشروطی که مقسم برای همه اقسام و انواع وجود است، دانسته‌اند، بنابراین عرفان فقط به وجودشناسی نمی‌پردازد، بلکه درباره مابعدالطبیعه‌ای بحث می‌کند که موضوع آن مرتبه مافوق وجود در حق اعلی است (وجود به معنای متعارف کلمه، نخستین تعین آن است). شروع بحث عرفان باذات الهی است که فوق هر حد و قیدی است، و از این ذات گاهی به حق تعبیر شده است. به علاوه عرفان درباره تکرثر نسبی در مرتبه الوهیت، یعنی مرتبه اسما و صفات حق، که در حقیقت تعینات ذاتی و جلوه‌های متعدد ذات اعلای حق‌اند، بحث می‌کند.

ویژه جشنواره حکمت سینوی

این علم اعلی یعنی عرفان، تجلیات مبدا هستی، همراه با همه مراتب کلی وجود از مرتبه ملائکه مقرب تا مرتبه عالم مادی را نیز مورد بحث قرار می‌دهد، ولی همه آنچه در مرتبه عالم موجود است، در پرتو مبدا هستی می‌نگرد. عرفان از مرتبه مبدا هستی نزول کرده، به تجلیات آن نیز می‌پردازد و در نتیجه جهان‌شناسی را به عنوان نوعی شناخت جهان در ارتباط با مبدا هستی یا به عنوان نوعی شناخت با هدف فراهم ساختن نقشه‌ای برای هدایت و جهت‌یابی انسانهایی که در بند عالم مادی‌اند و می‌خواهند به سوی حقائق ورای عالم سیر کنند، مورد بحث قرار می‌دهد. این علم اعلی همچنین به ضرورت درباره اوضاع و احوال بشر با همه گستردگی، ژرفا و رفعت آن بحث می‌کند و این علم، حاوی ژرفترین نوع دانش درباره انسان است که اگر اصطلاح ’انسان‌شناسی‘ را به معنای سنتی و نه به معنای جدید آن در نظر بگیریم، می‌توان از آن به انسان‌شناسی تعبیر کرد، همچنین می‌توان از این علم با عنوان علم روح یا ’روح‌شناسی‘ که از جهان‌بینی دنیای جدید غایب است، نام برد. بالاخره عرفان درباره مبدا هستی و همه مراتب تجلی آن از منظر وحدتی که حاکم بر همه موجودات است و به خصوص برای جهان‌بینی اسلامی محوریت دارد، بحث می‌کند. می‌توان گفت دو آموزه مبنایی ’وحدت وجود‘ و ’انسان کامل‘ بر مابعدالطبیعه یا عرفان اسلامی حاکمیت دارد و البته آموزه انسان کامل نه فقط شامل انسان‌شناسی عرفانی است، بلکه علاوه بر این بر مبنای تطابق میان عالم صغیر و عالم‌کبیر، شامل نوعی جهان‌شناسی رمزی هم می‌شود. به علاوه عرفان نظری به حقیقت دین و وحی در ژرفترین معنای آن می‌پردازد...

امروزه جهان اسلام، تا حد زیادی نسبت به سنت فکری خویش بی‌توجه است و در عین حال برخی فیلسوفان مسلمان تجددطلب، به خصوص در جهان عرب و تاحدی در ترکیه در دوران معاصر، فلسفه اسلامی دوره اخیر را دقیقاً به دلیل ارتباط آن با عرفان مردود می‌دانند؛ چه، آنها عرفان را به عنوان صرف mysticism (عرفان در سنت غربی) به صورتی تحقیرآمیز مورد انتقاد قرار می‌دهند. در سوی دیگر طیف مخالفان فلسفه اسلامی متأخر، کسانی قرار دارند که آنها را به اصطلاح ’بنیادگرا‘ می‌خوانند؛ این افراد هم با عقل و هم با عرفان مخالفند و به سنت فکری اسلامی، که عرفان در قلب آن قرار دارد، پشت می‌کنند و به علاوه به بهانه تلاش برای نجات اسلام، این سنت فکری را مورد انتقاد قرار می‌دهند. آنها نمی‌دانند که در حقیقت برای مواجهه با چالشهای دنیای جدید که در درجه اول چالشهایی فکری است، امروزه اسلام بیشتر از هر چیز نیازمند همین ساحت فکری است.

برخی از بزرگترین مسائلی که امروزه در حوزه فکر و نظر، فراروی اسلام قرار دارد، به شرح زیر است: هجوم جهان‌بینی سکولاریستی (دنیاگرا) و فلسفه سکولار؛ گسترش علم و فناوری مبتنی بر دیدگاه سکولار درباره طبیعت و نیز درباره شناخت طبیعت؛ بحران زیست محیطی که کاملاً مرتبط با گسترش فناوری جدید است؛ کثرت‌گرایی دینی و نیاز به فهم عمیق از ادیان دیگر؛ نیاز به دفاع از خود دین در برابر همه حملات سکولاریستی یا حملات انحصارطلبانه مسیحیت علیه آن، حملاتی که در درجه اول از غرب سرچشمه می‌گیرد؛ نیاز به فهم مبانی هنر و معماری اسلامی و به کار بستن این مبانی برای خلق هنر و معماری اصیل اسلامی در زمان

نیمه اول آذر ماه – شماره ۱۶ – ۵

معاصر؛ ارائه پاسخی اسلامی به پرسش مربوط به نسبت دین و علم؛ تدوین علم‌النفس یا روان‌شناسی اسلامی و تأسیس بنیادی استوار برای هماهنگی ایمان و عقل. سهم عرفان برای حل این مسائل، سهمی محوری است. اصل متحد کننده ایمان و عقل را فقط در عرفان می‌توان یافت. اگر فقط عرفان را فهم کنیم، اهمیت شایان آن را نیز برای مسلمانان امروز درک خواهیم کرد. به علاوه عرفان در دام استدلال قیاسی صرف به صورتی که در برخی از مکاتب فلسفه اسلامی آمده است و این نوع استدلال برای بسیاری از انسانهای امروز، بیگانه است، گرفتار نمی‌شود. بنابراین شگفت اینجاست که به یک معنا عرفان برای افراد برخوردار از شهود عقلی، سهل‌الوصولتر از مکاتب سنتی فلسفه اسلامی است؛ هرچند که البته این مکاتب نیز می‌تواند و در واقع می‌باید سهم مهمی در حیات فکری جهان اسلام در دوران معاصر داشته باشد. در جهان اسلام سنتی، برخی فقها، متکلمان و فیلسوفان با عرفان نظری مخالف بوده‌اند. به علاوه صوفیانی هم که معتقد بودند عرفان نتیجه‌ای است که از طریق حالات معنوی و نه از طریق خواندن کتب عرفانی، حاصل می‌شود، با عرفان مخالفت کرده‌اند...

البته بدیهی است که آدمی با صرف مطالعه متون عرفانی یا حتی فهم آنها صرفاً در ساحت ذهن، عارف نمی‌شود. باید حقایق آن متون را در وجود خویش متحقق ساخت و عین علم و شناخت به این حقایق ’بود‘. با این حال مجموعه معارفی که در متون عرفان نظری و تصوف علمی آمده است، ارجمندترین علم است و مسلمانان باید آن را به عنوان هدیه‌ای آسمانی، عزیز بدانند. این مجموعه مکتوبات وسیع از ابن عربی و قونوی تا آقا محمد رضا قمشه‌ای و امیر عبدالقادر و در دوران معاصر از مولانا ثانوی، محمدعلی شاه‌آبادی و آیت‌الله خمینی(ره) تا سید جلال‌الدین آشتیانی و حسن‌زاده آملی حاوی دانشی بسیار غنی است؛ دانشی که فقط به تنهایی می‌تواند عمیق‌ترین پاسخها را برای مسائل مبرم فکری، معنوی و حتی عملی فراهم سازد. ولی بالاتر از همه فقط همین سنت می‌تواند برای مسلمانانی که توانایی فهم و استغراق در آن را دارند، دانش برین درباره حق مطلق و علمی را که متحقق شدن به آن غایت قصوای وجود انسانی است، فراهم سازد.

پی‌نوشت:

۱- در دهه ۱۹۶۰، یک روز در محضر استاد برجسته‌ام علامه طباطبایی، که دوست آیت‌الله خمینی بود، وقتی صحبت از افکار فلسفی ایشان به میان آمد، از علامه پرسیدم: کدام مکتب فلسفی بیشترین جاذبه را برای آیت‌الله خمینی داشت؟^۱ علامه پاسخ داد: آیت‌الله خمینی خیلی حوصله احتجاجهای منطقی فلسفه مشائی را نداشت، بلکه بیشتر به ملاصدرا و ابن عربی علاقه‌مند بود.^۲ همین دیدگاه را میرزامهدی حائری نیز که در محضر آیت‌الله خمینی تحصیل کرده بود، تأیید می‌کند. ایشان می‌گوید: ’او[امام خمینی] علاقه چندانی به فلسفه مشائی و منطق نداشت. تدریس اسفار او بیشتر جاذبه عرفانی داشت. او عرفان را به خوبی در محضر آقای شاه‌آبادی فرا گرفته بود و همه وقت خویش را صرف مطالعه آثار ابن عربی می‌کرد. بنابراین او از منظر ابن عربی و نه از منظر ابن سینا و فارابی به اسفار نظر می‌کرد. وقتی به عبارات ابن سینا و فارابی می‌رسید، بر اثر نیروی سرشار عرفان، کاملاً معذّب می‌شد و در بند قیود فلسفی نبود.^۳

منبع: کارنامه خرد
ویژه نامه جشنواره حکمت سینوی

شرط اصلی تحول یک جامعه و عامل محرک تاریخ از دیدگاه سید جمال الدین حسینی

استاد سید هادی خسروشاهی

قرن ۱۳-۱۴ در این راستا آشنا هستند.

اما آنچه به نظر می رسد که در برنامه های اصلاحی سید حائز اهمیت است، نقطه اتکاء، آینده نگری و تعیین عامل محرک تاریخ، در اندیشه او است. این مسأله را یک تحلیلگر اجتماعی معاصر - مرحوم دکتر حمید عنایت - در کتاب سیری در اندیشه سیاسی عرب، چنین تبیین می کند:

«برای همگان این سؤال پیش می آید که اگر آنچنان که سید مدعی است، اسلام، همه شروط و لوازم سعادت انسان را، دست کم از لحاظ نظری دارا است، پس چرا مسلمانان در جهان امروزی چنین ناتوان و درمانده اند؟! سید، در پاسخ این سؤال به این آیه قرآن استناد می جوید و در آخرین سطر کتابش - ناتورالیسم یا رَد بر نیچریه آمده است: «آن الله لایغیر ما بقوم حتّٰی یغیروا ما بانفسهم»^۱ خداوند سرنوشت هیچ قومی را دگرگون نمی کند، مگر آن زمانی که افراد آن قوم، آنچه که در درون و نفس خود دارند، دگرگون نمایند.

بدین ترتیب سید به پرسش اصلی مشکل اصلی مردم و جامعه پاسخ می دهد و عامل محرک تاریخ را در «فلسفه اجتماعی» خود معین می سازد.

تغییر تاریخ و جامعه

البته مارکس درباره فلسفه تاریخ معتقد بود که: کار فیلسوف شناخت جهان هستی است، و ما باید تغییر و دگرگونی جهان را دنبال کنیم و با همین تصور تئوری خود را در ماتریالیسم تاریخی، اقتصاد دانست و آن را محرک تاریخ شناخت. ولی سید جمال الدین عامل محرک تاریخ را در فلسفه اجتماعی خود، با تکیه بر اندیش مستند به منبع معرفتی خود، اراده ملتها و تحوّل درونی^۲ را عامل محرک تاریخ معرفی می کند.

البته، فیلسوفان اجتماعی دیگر هم، هر کدام از خاستگاه ایدئولوژی و منبع معرفتی خود عامل خاصی را محرک تاریخ دانسته اند و سیر تحولات جامعه ها را بر مبنای محوریت آن عامل، ممکن دانسته اند. به چندین عامل از دیدگان برخی از مصلحان و جامعه شناسان معروف اشاره می کنیم:

- عامل اقتصاد - کارل مارکس
- نژاد و ملی گرایی - گوینو
- روح کلی - هگل
- جغرافیا - منتسکیو
- قهرمان - کارل لایب
- عامل جنسی - فروید
- نخبگان - پاره تو^۳

چنانچه ملاحظه می کنید، در این عوامل، هیچ یک از دانشمندان نقش انسان ها را به عنوان اصل بنیادی جامعه، به حساب نیاورده اند، بلکه بیشتر از دیدگاه وی به مسئله پرداخته اند و تنها بعضی از آن ها برای عده ای معین مانند: قهرمانان و نخبگان، نقش قائل شده اند.

در میان مصلحان قرن ما کسی که به طور روشن نقش انسان ها و اراده آنها را به عنوان عامل محرک تاریخ مطرح می کند، سید جمال الدین حسینی اسدآبادی است که با استفاده از آموزه قرآنی و سنت های تاریخی، آن را تئوریزه ساخته است.

سید، در موارد متعددی از مقالات و رساله

جامعه شناسان معتقدند که «أصول کار» هر مصلح اجتماعی را می توان در دو امر تبیین کرد: - ۱ شناخت و نقد وضع موجود، - ۲ ارائه برنامه و طرح برای ایجاد وضع مطلوب. و روی همین اصل یک مصلح اجتماعی باید وضع موجود را بدون کلی گویی نقد و تحلیل کند و علل انحطاط جامعه را در مقایسه با پیشرفت جامعه های دیگر، مورد بررسی قرار دهد.

۱- زیرا که اصولاً کلی گویی و تکیه بر مسائل ذهنی و انتزاعی مشکل جامعه را حل نمی کند و به همین دلیل مصلح اجتماعی در بررسی انحطاط وضع موجود، باید دست روی آسیب شناسی اجتماعی^۴ social phatalogy و عوامل انحطاط به صورت ریز بگذارد و تأثیر آنها را در انحطاط جامعه و راه برون رفت از آن ها را توضیح دهد.

البته ضروری است که یک شخصیت مصلح، علاوه بر آشنائی لازم با علوم مورد نیاز، به طور مشخص باید از تاریخ، جامعه شناسی، فلسفه اجتماعی و فلسفه تاریخ، بهره کافی داشته باشد.

۲- در رابطه با وضع مطلوب و آینده بهتر، نیز، باید به طور کامل و دقیق برنامه و طرح آینده را ترسیم کند و عامل محرک جامعه و تاریخ را از منبع معرفتی خود، تبیین و تعیین نماید و روشن سازد که آینده جامعه، باید به کدام سمت و سو برود و چگونه باید باشد تا به هدف مطلوب برسد.

این مشخصات از ویژگیهای ضروری برای همه مصلحان اجتماعی است که توانسته اند به نوعی تحوّل تاریخ و جامعه را سامان ببخشند.

سید جمال الدین حسینی - اسدآبادی - بدون تردید دارای این ویژگی ها بود و درباره شرایط تحوّل جوامع شرقی و مسلمان به طور علمی، دقیق، آگاهانه و سیستماتیک سخن گفته است.

او، از یک طرف انحطاط جامعه های اسلامی را ملاحظه و بررسی نمود و در مقایسه آنها با جوامع پیشرفته، علل و عوامل انحطاط جامعه را به طور دقیق، ترسیم کرده و آن ها را در آثار خود چنین معرفی نموده است:

- حاکمیت جهل و خرافات
- عدم آگاهی عمومی و غفلت از سرنوشت
- جبر محوری و تقدیر گرایی مطلق
- اختلاف قومی و مذهبی
- عدم آشنایی با علوم زمان
- عدم شناخت تاریخ عمومی و تاریخ اسلام
- فقدان شخصیت ذاتی و بحران هویت

اجتماعی

- تسلط استبداد سیاسی و دینی
- سلطه استعمار در همه زمینه های: نظامی، فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
- گسترش بدبینی و عدم اعتماد در میان افراد یک جامعه

۱۱. مسئولیت نپذیری افراد و فرار عملی از انجام وظایفی که به عهده دارند.

۱۲. عدم تحرک و سستی و خمود در میان فرهیختگان و دانشمندان

البته علاوه بر این علل و عوامل انحطاط و سقوط، مسائل دیگری هم هست که دوستان بی تردید در این زمینه ها اطلاعاتی کافی دارند و خود با چگونگی افکار و اندیشه های این مصلح بزرگ

های خود، به این مسأله می پردازد که از آن جمله است:

- مقاله «سنن الله فی الامم و تطبیق ها علی المسلمین» در العروه الوثقی
- مقاله «القضاء والقدر» در العروه الوثقی
- رسال حقیقت مذهب نیچری یا ناتورالیسم.

سید، این تئوری واقع بینانه را نه فقط از موضع یک عالم اسلامی و مسلمان تبیین می کند، بلکه با استفاده از علوم انسانی از قبیل: جامعه شناسی، تاریخ و علم کلام دلایل و شواهدی می آورد و تئوری خود را مستدل می سازد.

سید می گوید: برای تغییر جامعه، باید انسان ها از موضع آگاهی به نقش خود و خودسازی و تحول ذاتی، جامعه را تغییر دهند و درواقع از دیدگاه سید، مردم تحول یافته در تحولات اجتماعی، نقش اول را به عهده دارند. البته در این آگاهی بخش، طبقه عالمان و فرهیختگان نقش رهبری و مهمی دارند.

برای اثبات این مطلب سظوری از مقالات سید را نقل می کنیم.

۱- سنت های خدا در جامعه

سید، در مقاله: «سنن الله فی الامم» نخست از عظمت مسلمین صدر اول یاد می کند که چگونه از دریاها گذشتند، حکمرانان مستبد را به تسلیم واداشتند: به اقصی نقاط جهان رسیدند، پیام هدایت بخش قرآن را به گوش دیگران رساندند، بنیانگذاران تمدنی بزرگ شدند و در عرصه های علم و اندیشه و هنر، پیشتاز بودند.

اما، امروز (قرن ۱۳) با اینکه مسلمانان چهارصد میلیون از جمعیت در دنیا هستند^۳ سرزمین های اسلامی، از اقیانوس اطلس تادروازه های چین در اختیار آنها است، با اینکه دارای اراضی مزروعی بکر، منابع طبیعی، ثروت های خدادادی فراوان در اختیار دارند اما، متأسفانه، همه آن ثروت ها به صورت ویرانه درآمده و یا غارت شده و خود آن ها نیز، زیر سلطه بیگانگان زندگی می کنند و تفرقه و اختلاف میانشان حاکم است و کشورها، قطعه قطعه گشته و هر گوشه ای، به دست بیگانه ای افتاده. شخصیت ها سرکوب و هویت ها معکوس شده اند. این ها همگی خسارت و بلایای جوامع اسلامی می باشد.

پس از این اشاره کلی و کوتاه، سید جمال الدین علت سقوط جامعه های مسلمان را مطابق سنت الهی و قانونمندی تاریخ، معرفی می کند:

«خداوند، بارها و بارها، در خلال آیات محکم قرآن، ارشاد و راهنمایی کرده است که: ملت ها، هرگز از عرش عزت و کرامت، سقوط نمی کنند هستی و شخصیت خود را از دست نمی دهند، مگر اینکه از سنت های الهی که بر اساس حکمت، تنظیم شده اند، سرپیچی نمایند:

خداوند، هیچ جامعه ای و قومی را از اوج عزّت و قدرت و از موضع رفاه و امنیت و سکونت و آرامش، پایین نمی آورد و وضع آنان را تغییر نمی دهد، مگر اینکه آن جامعه، نور عقل و حکمت، درستی اندیشه و راستی رأی و عبرت گیری از سرگذشت گذشتگان را از دست بدهد و خود را محروم سازد و از تاریخ درس نیاموزد و تاریخ



سرنوشت ملت هایی را که از صراط مستقیم خداوند انحراف یافته اند، نخواند و نداند و درباره عاقبت سرنوشت و ناباوری آنان، نیندیشد.

درواقع این سقوط و انحطاط، به این جهت بوده است که آنها از سنت عدالت و راست کرداری، عدول کرده و راه بصیرت و حکمت را به روی خود بستند. آنان، استقامت در اندیشه و رأی را از دست داده، راستی گفتار، صفای دل ها، دوری از شهوات و هوس ها را از دست دادند.

از حق و حقیقت، حمایت و دفاع نکردند و به نصرت و یاری مظلومان نشتافتند، عدل را کوبیدند و همت و اراده خود را برای پاسداری کلمه حق و عدل، بسیج نساختند. دنبال هواهای باطل رفتند و به خاطر لذت های زودگذر و شهوات فانی، همه راستی ها را منکر شدند و آنچنان به منکرات و پستی های بزرگ پرداختند که انسان از شنیدن آنها وحشت زده شد. حق کشی کردند، سوزاندند و پایمال کردند که آدمی از تصور آن بر خود می لرزد. اراده آنان سست شد و برای حفظ سنت های عدل و قسط، ذره ای غیر نداشتند، حیات در راه باطل را بر مرگ در راه پیروزی حق، ترجیح دادند. اینست که خداوند کیفر کارهای آنان را داد. عزتشان را از دستشان گرفت و آنان را در معرض عبرت تاریخ قرار داد.^۴

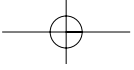
شواهد تاریخی

پیش از آنکه شواهد تاریخی را از رساله «نیچریه» سید نقل کنیم، باید به یک نکته اساسی اشاره شود و آن، این که سید جمال الدین علاوه بر تسلط بر فلسفه اسلامی و غربی و بخشی از علوم زمان، به وضوح به علم تاریخ و فلسف تاریخ تسلط کامل داشته است. او، شواهدی از تاریخ ملت ها را نقل می کند که سلط او را بر این رشته، روشن می سازد.

اساساً، هر انسانی که از تاریخ کشور خود و تاریخ دنیا، اطلاع کافی نداشته باشد، هرگز نمی تواند تحلیل درست و جامعی، از اوضاع اجتماعی - سیاسی داشته باشد. سید، به عنوان یک مصلح اجتماعی، جامعه خود را کالبدشکافی می نماید و در تحلیل و تبیین تئوری رهائی بخش خود، از علم تاریخ، آن هم قانونمندی آن، استفاده می کند.

او، در رساله نیچریه یا ناتورالیسم عوامل سقوط جامعه ها را مبتنی بر: «عدم تغییر اراده و روان ها» می داند. او به وضوح استدلال می کند که «ضعف اراده یک قوم و تحقیر کرامت انسانی و ضعف ناباوری و دینداری یک جامعه»، چگونه عزت و کرامت آنها را تهدید کرده و جامعه شان را نابود ساخته است.

سید، با مقایسه آراء مادی گرایان و خداپاوران، در مورد تفسیر تکاملی از انسان، ادعا می کند که انسان، دارای کرامت ذاتی است و اراده و آزادی دارد. این اندیشه، هرگز با تفسیر حیوان گونه بودن انسان که به تعبیر ماده گرایان (انسان یک میمون برهنه است) man is a brane monkey کاملاً تفاوت دارد. انسان در نظر مادی ها، درواقع فاقد همه گونه صفات و کرامت انسانی بوده و فاقد ارزش ذاتی است. اما، بر حسب تفسیر ادیان ابراهیمی بویژه اسلام، او، مقام بس والایی دارد.^۵ سید می نویسد:



پیشگفتار

انسان ها را از دیرزمان، به سبب ادیان، سه اعتقاد و سه خصلت حاصل شده است، که هر یک از آنها، رکنی است رकिन از برای قوام ملل و پایداری هیأت اجتماعیه...

۱- نخستین آن عقاید، این است که انسان، فرشته ای زمینی است و او، اشرف مخلوقات است.

۲- یقین به اینکه امت او، اشرف امت ها است. ۳- اینکه انسان، در این عالم آمده است که برای تحصیل کمالات شایسته، تلاش نماید و به عالم افضل و اعلی، منتقل گردد.۶

سید علاوه بر سه اعتقاد فوق، به سه خصلت نیز اشاره دارد:

۱. اینکه انسان، نباید مثل حیوانات زندگی کند.

۲. امت اسلامی، در رقابت با دیگر امت ها، در کسب فضایل به تلاش پردازد.

۳. انسان، در این جهان بر `نهج ضرورت و لزوم` در `تزیین و تنویر عقل خود` در اخذ معارف حقه و علوم، بکوشد.۷

در دیدگاه سید، در نتیجه این سه اعتقاد، سه صفت پدید می آید:

۱- حياء ۲- امانت ۳- صداقت.

وقتی ملت ها با این صفات و ویژگی ها، آراسته شدند، قطعاً به کمال مطلوب و جامعهٔ شایسته، نائل می شوند.

شواهد تاریخی

آنگاه، سید، به نقل شواهد تاریخی می پردازد و وضع ملت های جهان باستان و دنیای اسلام را در فراز و نشیب حیات اجتماعی خود، مورد مطالعه قرار می دهد:

۱- یونانیان که زمانی به جهت عقاید سه گانه و خصلت سه گانه، حاکم بلامعارض منطقهٔ بزرگی از جهان بودند، بر اثر نفوذ عقاید مادی گرا، بازار علم و حکمت نزدشان، کاسته شد و خودپرستی بر نهاد مردم چپیره گشت. از این رو، سلطنت و عزت شان بر باد رفت و به دست رومی ها، یعنی جنس لاتین اسیر افتادند.^۸

۲- ایرانیان

ایرانیان، قومی بودند که در اصول ستّه سعادت، به درجهٔ اعلی، رسیده بودند و امانت و صداقت، اول تعلیمات دینیه آن قوم بود. حتی اگر محتاج می شدند، اقدام بر (گرفتن) قرض نمی کردند، مبدا اینکه، دروغی بگویند. تا اینکه در زمان قباد، مزدک نیچری (مادی) ظهور کرد و جامعه ایرانی، به تباهی افتاد.۹

نظرها و اندیشه‌ها

مورخ فرانسوی: فرانسیس لونورمان می گوید: ایران در دورهٔ دارا(ی) بزرگ، ۲۱ ایالت بود. که از جمل آنها مصر، بلوچستان، سند و... بودند. وقتی در قدرت سیاسی خود، احساس ضعف می کردند، فوراً این خصلت ها و صفات شایسته خود را تمرین می کردند و به برکت چنین هویتْ بازیافته، دوباره عظمت خود را به دست می آوردند.۱۰

تا اینکه مزدک ظهور کرد و در اثر تأثیر مادی گری و کم رنگ شدن دینداری کشور بزرگ ایران به ضعف و تجزیه گرایید و سرانجام سقوط کرد.

-۳ جهان اسلام

بر امت مسلمان نیز، همین ماجرا گذشت. زیرا مسلمانان، تا زمانی که در پرتو دیانت حقهٔ خود، به آن عقاید و خصلت آراسته بودند، بر ملت های دیگر، برتری داشتند. تا جایی که در ظرف یک قرن، از کوه های آلپ تا دیوار چین را به تصرف خود در آوردند و دماغ کسراها و قیصرها را به خاک مذلت مالیدند. تا آنکه در قرن چهارم، باطنیه، آشکار شد و برای نشر آراء خود، طریق تدلیس و تدریج` را در پیش گرفتند و اساس تعالیم خود را بر این قرار دادند که تشکیک کنند، مسلمانان را در عقاید خود، و پس از تشکیک، عهد و پیمان را از آنان گرفتند و جهان اسلام، رو به فساد نهاد. و از این راه، هجوم صلیبیان و سپس ترک و مغول، برای شکست مسلمانان، هموار گشت.۱۱

۲- عثمانیان نیز، به سبب عقاید فاسده مادیین (نیچریان) دچار انحطاط شدند و خانهٔ شرف چندین سالهٔ آنان بر باد رفت.۱۲

-۴ اروپای جدید

فرانسویان هم، پس از رومیان در اروپا، پیشروان دانش و کاردانی و تمدن بودند. تا اینکه در قرن هجدهم، ولتر و روسو به اسم `رافع الخرافات` و `منور العقول` ظهور کردند و این دو شخص، قبراییکور کلیی را نبش کرده و عظام بالیه (استخوان های پوسیده) را احیاء نمودند و تکالیف خود را برانداختند و تخم بی دینی و نیهلیسم ریختند. حتی ولتر چندین کتاب در تخطئه و مسخرهٔ انبیاء تألیف کرد و ملت فرانسه، سقوط نمود. ناپلئون اول، کوشید تا مسیحیت را اعاده کند ولیکن اثر تعلیمات این کسان، در میان مردم فرانسه از میان نرفت و سرانجام، فرانسه از آلمان شکست خورد.۱۳

تحلیل سید

در واقع سید، با اشاره به شواهد تاریخی، از

دنیای باستان تا عصر حاضر، اثبات می کند که عامل تحوّل و تغییر ملت ها تنها از راه اراده ملت ها و تحوّل روحی و معنوی آنها` صورت می گیرد. البته، سید جمال، این تحول درونی را در اثر آگاهی اجتماعی، عبرت از تاریخ، خودسازی درونی در پرتو تعلیم ادیان الهی میسور می داند و این دقیقاً با علمی بودن ثنوری عامل` تغییر و اراده ملت ها` در تحولات جامعه و تاریخ سازگار است.

تصحیح یک اعتقاد

سید، در تکمیل دیدگاه اصولی مطرح شده، در یکی از مقالات خود، در `العروه الوثقی` درباره عقیده قضاء و قدر، نیز توضیح می دهد که این عقیده ظاهراً به غلط در ذهن مسلمانان بویژه در صدر اول جا افتاده است که آن را نوعی `فاتالیسم fatalism` و جبری گرایی، تفسیر می کنند و آن سبب انحطاط می باشد.

اما، تفسیر درست و دقیق عقیده `قضاء و قدر` در نظر سید این است که جهان مرهون روند علل و عوامل، دقیق و منظم، حساب شده و با برنامه ریزی صحیح، تنظیم شده است و ظهور و سقوط ملت ها و تمدن ها، در اثر عوامل گوناگون می باشد. و به همین دلیل یکی از عوامل مؤثر در تحولات اجتماعی، عامل ارادهٔ انسان ها را باید به حساب آورد.

اعتقاد به `قضا و قدر` نه جبرگرایی و فاتالیسم، ترس و واهمه را در آدمی می خشکاند. البته بعضی عوام جاهل، این عقیده را با اعتقاد به جبر، مخلوط ساخته اند. پس، بر عالمان راستین اسلام است که با تلاش های عالمانهٔ خود، معنی صحیح قضاء و قدر را از بدعت ها و عوارض منفی آن، باز شناساند و به مردم عوام یادآور شوند که آنچه بزرگان ما گفته اند، امثال امام محمد غزالی آنچه شارع از توکل و اعتماد به قضاء و قدر می گوید، شریعت آن را در مقام عمل از ما، می خواهد نه در موضع کسالت و تنبلی.

خداوند، امر کرده است که ما، وظایف خود را عمل نماییم و هرگز اجازه نداده است، به بهانه `توکل به خدا` سهل انگاری و اهمال بورزیم که این، برهان `مارتین درباره دین حق` است.۱۴ سپس سید، از تاریخ یاد می کند: پیروزی های کوروش فارس، اسکندر یونانی، حتی جنگیزخان مغولی و ناپلئون اول را در پرتو این عقیده سرنوشت ساز، تفسیر می نماید۱۵ و انسان به طور طبیعی تعبیر اقبال لاهوری را به یاد می آورد که می گوید:

خدا، آن ملتی را سروری داد که تقدیرش به دست خویش بنوشت

نیمه اول آذر ماه – شماره ۱۶ – ۷

به آن ملت، سروکاری ندارد که دهقانش برای دیگری کشت!

نقش قهرمان

اگر سید جمال الدین را یک مصلح برجسته اجتماعی و یک قهرمان جهان اسلام بدانیم، که توانست یک امت خواب آلوده و بی حرکت را با تزریق شجاعت، اعتماد به نفس، خودآگاهی، جامعه شناسی، به خودسازی و آگاهی اجتماعی دارد و توانست از موضع آگاهی و تحوّل درونی، جامعه و تاریخ را تغییر دهد و استقلال و آزادی ملت های مشرق زمین و مسلمان، به ارمغان بیاورد، سخن گزافی نگفته ایم.

البته می دانیم که اغلب شخصیت ها و مصلحان اجتماعی دو قرن اخیر و معاصر، در نهضت های اصلاحی و حرکت های اجتماعی خود، از آموزه ها و جهت گیری های سید جمال الدین، متأثر بوده اند که با تحکیم وحدت صفوف ملت های خود، با استعمار جنگیدند و شاهد استقلال را به آغوش کشیدند و استبداد داخلی را سرنگون کردند و این رمز و راز تأثیر عامل محرک تاریخ: `تغییر درونی و اراده ملت ها` در تحول جوامع بشری است.

والسلام

۱. سوره رعد ۱۱/

۲. برای اطلاع بیشتر به کتاب `علم تحولات جامعه` نوشته حمید حمید، مراجعه شود.

۳. در عصر ما، تعداد مسلمانان در سراسر دنیا بالغ بر یک میلیارد و پانصد میلیون شده است.

۴. سید جمال، العروه الوثقی، الآثار الکامله، ج ۱، صفحه ۲۱۳، دارالشروق، الدولیه - قاهره.

۵. اخیراً دانشمندان غربی با تشریح و تحلیل یک اسکلت باقیمانده از موجودی دوپا که در آفریقا به دست آمده و مربوط به بیش از سه میلیون سال قبل است، ثنوری داروین را به کلی رد نموده اند.

۶. سید جمال الدین، حقیقت مذهب نیچری،

صفحه ۱۹۰.

۷. همان، صفحه ۱۹۰-۲۱

۸. همان، صفحه ۳۲.

۹. همان، صفحه ۳۳.

۱۰. نیچریه یا ناتورا لیسم.

۱۱. همان، صفحه ۳۶.

۱۲. همان، صفحه ۳۷.

۱۳. همان، صفحه ۳۸.

۱۴. العروه الوثقی: مقاله: قضاء و قدر،

المجموعه الکامله، ج ۱، صفحه ۱۲۶-۷

۱۵. العروه الوثقی: مقاله: قضاء و قدر، صفحه ۱۴۶.

گفتگوی کوتاه استاد خسروشاهی با خبر همدان

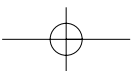
کمیته دائمی، با اهداف مشخص و با شرکت شخصیت های فرهیخته ایرانی و غیرایرانی تشکیل شود تا بتواند هر چند سال یکبار، درباره یک شخصیت و یا یک موضوع مشخص جشنواره ای ترتیب دهد که آثار فرهنگی - اجتماعی ثمربخشی خواهد داشت.. بدون ایجاد یک کمیته کاری دائمی که به طور پیوسته بتواند موضوعات مورد نیاز را پی گیری کند، عملی شدن و تحقق این هدف بزرگ امکان پذیر نخواهد بود... امیدوارم که در جمعبندی پایان این جشنواره، تشکیل این کمیته کاری دائم، به تصویب برسد. انشاء الله.

سنوی، در شرایطی که دیگران اغلب شخصیت های برجسته ایرانی از جمله ابن سینا، خیام، سید جمال، مولوی و غیره را غیرایرانی و منسوب به خود معرفی می کنند و حتی جشنواره هایی هم به این مناسبت ها برپا می دارند، اقدام جمهوری اسلامی ایران در این زمینه یک ضرورت بود که خوشبختانه از ابن سینا آغاز شده و امیدوارم که در مورد دیگر شخصیت ها هم استمرار یابد...

پیشنهاد شما برای دائمی شدن این جشنواره بین المللی چیست؟
برای استمرار کارهای جشنواره بین المللی سینوی، به نظر من باید یک

مجموعه این آثار در ایران و در قم در ۷ جلد چاپ شد و سپس ۵سال پیش به هنگام اقامت در مصر، مجموعه تکمیل شده آن، تحت عنوان: `الأعمال الکامله للسید جمال الدین الحسینی` در `قاهره` از سوی معروفترین ناشر مصری - مکتبه الشروق الدولیه - در ۹ جلد و سه هزار و پانصد صفحه منتشر گردید. بهرحال به نظرم این تنها مجموعه ای است در سطح جهان اسلام و عرب که از طرف یک پژوهشگر منتشر شده است.

نظر جنابعالی در خصوص برگزاری جشنواره بین المللی سینوی چیست؟
برگزاری جشنواره بین المللی



همدان میعادگاه مفاخر علمی ایران

و جهان شرکت داشتند نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه همدان پیام آیت الله جوادی آملی را قرائت نمود: در بخشی از این پیام آمده است: حمد سرمدی خدای حکیم را سزااست تحیت ابدی پیامبران حکمت آموز به ویژه حضرت ختمی نبوت (ص) را رواست درود بی کران دوده طاه و اسره یاسین مخصوصا حضرت ختمی امامت مهدی موجود موعود(عج) را بجاست. به این ذوات قدسی تولی داریم و از معاندان آنان تبری می نمایم. در بخشی دیگری از این پیام آمده است: فلسفه همانند علومی دیگر به تدریج کامل شد و هنوز برای پایانی خویش پویاست و این مطلب سامی را حکیم الهی حسین بن عبد الله بن سینا معروف به ابوعلی (ره) در الهیات شفا تصریح فرمود. بر همین اساس برخی از مسائل حکمت مشا با کوشش متولیان حکمت اشراق رشد کرد و با اجتهاد صحابه حکمت متعالیه شکوفا شد و رهنمود اصحاب عرفان نظری که جان مایه آنان مرهون دل مایه ارباب عرفان شهودی است سهم تعیین کننده ای در ظهور حکمت متعالیه داشت.

همچنین در بخشی از این پیام می خوانیم: فیلسوف الهی چوان بو علی سینا(ره) کوشید که صبغه الهی بودن وی ریاست سایر رشته های علمی او را عهده دار باشد. لذا در تدوین فلسفه اخلاق همانند فلسفه کلی مطالبی را مرقوم داشت که رساله الطیر وی نموداری از آنچه به طور رصین و مرصوص در نمط های پایانی اشارات و تنبیهات نگاشتند می باشد و اهتمام به قداست نفس سیره سالکان کوی عقل برهانی بود چنانچه معلم اول نضد علوم را چنین دانستند: اول علم اخلاق دوم علم منطق سوم علم طبیعی چهارم علم ریاضی و پنجم علم الهی.

در ادامه مراسم افتتاحیه جشنواره حکمت سینیوی یوسف شاه حسینی رئیس بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا و دبیر جشنواره نیز گفت: به فرمایش حجت الحق شیخ رئیس بوعلی سینا آغاز هر فکر و انتهای هر اندیشه باید خدای باشد. باطن و ظاهر هر شی که مورد اعتبار او قرار گرفت باید به خدای تعالی توجه دهد. حکمت و دانش اساس و مایه برتری انسان است از غیر و در تحصیل دانش معرفت الهی بر همه مقدم است.

وی ضمن خیر مقدم به مهمانان افزود: بوعلی سینا میوه درخت تنومند و کهنسال فرهنگ و تمدن اسلام و ایران است که زندگی خود را وقف تعالی دانش و اخلاق و سلامت بشریت کرده و در ذهن و زندگی انسان ها موجب تحولات و پیشرفت های ارزشمند شده است. آنچنان که پس از گذشت بیش از هزار سال آثار و میراث او همچنان از جمله منابع معنابخش زندگی و کانون های گرم و روشنایی بخش معرفت و معنویت افزاست.

شاه حسنی ادامه داد: حکمت خیر کثیر است. هرکس حکمت بدست آورد خیر کثیر



اجرایی کمیته امور بین الملل اطلاع رسانی فوق برنامه انتظامی پشتیبانی تبلیغات و کمیته علمی تشکیل شده و برنامه های خود را به منظور هرچه باشکوه تر برگزار شدن جشنواره دنبال می کنند.

خبر دیگر به نقل از دارایی دبیر کمیته اطلاع رسانی جشنواره حکمت سینیوی حاکیست در مراسم گشایش این جشنواره علمی و فرهنگی علاوه بر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی حداد عادل نماینده مردم تهران در مجلس و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و جمعی از اندیشمندان و چهره های علمی و فرهنگی ایرانی و خارجی حضور خواهند داشت.

وی گفت: طی دو روز برگزاری جشنواره حکمت سینیوی علاوه بر ادای احترام به مقام شامخ شیخ ابوعلی سینا برنامه هایی همچون اجرای موسیقی سنتی نمایشگاه صنایع میز گردهای تخصصی بازدید مهمانان از آثار تاریخی شهر همدان و.... برگزار خواهد شد.

اضافه می شود ۳۰ خبرنگار رسانه های خارجی و ۱۲ خبرنگار از رسانه های ملی و نزدیک به ۱۰۰ خبرنگار محلی در همدان اخبار جشنواره حکمت سینیوی را پوشش می دهند.

جشنواره حکمت سینیوی

مراسم افتتاحیه جشنواره جهانی و جایزه ۱۰۰ هزار دلاری حکمت سینیوی عصر دیروز با حضور صدها نفر از علاقه مندان حوزه حکمت و فلسفه جهان با پیام آیت الله جوادی آملی و حضور غلامعلی حداد عادل در همدان آغاز شد.

در این جشنواره که افزون بر مسئولان استان همدان، صدها چهره علمی و دانشگاهی از جمله ۳۸ فیلسوف برجسته از ۱۷ کشور ایران

همدان مرکز تاریخ و تمدن ایران زمین "این روزها در تدارک برگزاری یک همایش علمی است که در نوع خود در استان کم نظیر است. "جشنواره حکمت سینیوی" عنوان این همایش بزرگ علمی است که به همت و پشتیبانی ارزنده مسئولان ارشد استان و با تلاش بنیاد علمی فرهنگی "بوعلی سینا" از ماهها پیش برای حسن برگزاری آن در حال ایجاد زمینه های لازم است.

بدون تردید ابن سینا را می توان در زمره بزرگترین مفاخر علوم طب و فلسفه جهان تشیع برشمرد که دیدگاه ها نظریه ها و کتب علمی او در زمینه های مختلف زیر ساخت بسیاری از علوم جهان معاصر را شکل داده است.

دبیر کمیته اطلاع رسانی جشنواره حکمت سینیوی از حضور حدود ۵۰ دانشمند و شخصیت علمی از ۱۷ کشور جهان و بیش از ۱۰۰ نفر از شخصیت های علمی و فرهنگی کشور در این جشنواره خبرداد.

توکل دارائی افزود: اندیشمندانی از کشورهای انگلیس اندونزی مالزی پاکستان ترکیه تاجیکستان قزاقستان بنگلادش بوسنی مجارستان نیجریه ژاپن آمریکا آفریقای جنوبی هند و آلمان در این جشنواره حضور دارند.

وی اضافه کرد: بیش از ۶۰ نفر از اساتید فلسفه ایران نیز در این جشنواره حضور داشته و آخرین اندیشه های خود را در حوزه حکمت اسلامی و ابن سینا پژوهی ارائه می کنند و صدها نفر از دانشجویان و علاقمندان فلسفه و حکمت نیز در این جلسات شرکت خواهند کرد.

این خبر حاکی است جشنواره حکمت سینیوی از امروز بیستم تا ۲۲ آبانماه جاری در همدان برگزار و جایزه ۱۰۰ هزار دلاری بین المللی بنیاد بوعلی سینا در ۵ موضوع به ۵ شخصیت انتخابی اهدا می شود.

دبیر جشنواره حکمت سینیوی در این خصوص گفت: جایزه ۱۰۰ هزار دلاری بوعلی سینا بزرگترین جایزه علمی کشور محسوب می شود.

یوسف شاه حسینی افزود: این جشنواره در پنج بخش ابن سینا پژوهی پزشکی فلسفی حکمتانه و مفاخر ایران زمین پیش بینی شده و خوشبختانه کار شناسایی برگزیدگان از مدت ها قبل شروع و پیشنهادهایی در این خصوص به شورای راهبردی ارائه شده است.

وی تصریح کرد: همزمان با اهدای جایزه پنج نشست علمی مستقل نیز پیش بینی شده که یک مورد آن در تهران برگزار می شود.

شاه حسینی در ادامه با اشاره به این که سه میزگرد تخصصی در جشنواره نیز برپا می شود افزود: ۱۱۶ مقاله علمی توسط شخصیت های برجسته علمی داخل و خارج از کشور و همچنین پنج پوستر در جشنواره ارائه می شود.

بر پایه این خبر رئیس ستاد اجرایی این

جشنواره از حضور ریاست جمهوری اسلامی ایران در آیین اختتامیه جشنواره بین المللی حکمت سینیوی و اهدای جایزه صدهزار دلاری "بوعلی سینا" خبرداد.

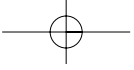
حمید عسگری در تشریح برنامه های جشنواره حکمت سینیوی گفت: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برنامه خود را در ارتباط با حکمت سینیوی در تهران آغاز کرده و تا امروز این برنامه ادامه دارد.

وی اضافه کرد: امروز بیستم آبان نیز آیین افتتاحیه جشنواره حکمت سینیوی در همدان آغاز می شود و شب همین روز نیز یک برنامه جنبی در محل آرامگاه بوعلی سینا تدارک دیده شده است.

عسگری ادامه داد: پنج شنبه نیز چهار نشست مفاخر حکمت و فلسفه بوعلی سینا و پزشکی در دانشگاه بوعلی سینا برگزار می شود و روز جمعه ۲۲ آبان ماه نیز با حضور مقامات بلندپایه کشور مراسم ادای احترام به مقام بوعلی سینا در محل آرامگاه بوعلی سینا برگزار می شود.

معاون سیاسی و امنیتی استاندار همدان با اشاره به انجام هماهنگی های لازم برای حضور مقامات و مسئولان کشوری در جشنواره خاطرنشان کرد: ۲۲ آبان ماه آیین اصلی جشنواره با حضور صدها چهره علمی و دانشگاهی ایران و جهان در همدان با اهدای جایزه ۱۰۰ هزار دلاری انجام می شود که حضور رئیس جمهور در آیین پایانی این جشنواره قطعی شده است.

رئیس ستاد اجرایی جشنواره حکمت سینیوی در ادامه با اشاره به تشکیل کمیته های مختلف برای برگزاری تخصصی جشنواره گفت: ستاد برگزاری جشنواره متشکل از ستاد



وزیر فرهنگی و ارشاد اسلامی نیز گفت: این ظرفیت در استان همدان وجود دارد که مفاخر و دانشمندان تاریخ گذشته و تاریخ معاصر ایران را به جهانیان معرفی کند.

وی افزود: در بین دانشمندان و علمای کل جهان شاید ۱۰ نفر مثل بوعلی سینا بتوانیم نام ببریم.

دکتر غلامرضا اعوانی رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و دبیر علمی جشنواره حکمت سینوی نیز گفت: جای تأسف است که هنوز ۳۵ تا ۴۰ درصد آثار ابن سینا حتی یکبار هم به چاپ نرسیده است و لذا طرحی آماده کردیم تا با شناسایی نسخه‌های بجا مانده از آثار وی آنها را منتشر کنیم.

منتخبان جشنواره حکمت سینوی در این مراسم آیت الله العظمی جوادی آملی جایزه فلسفی بوعلی سینا را برای فعالیت‌های برجسته در پیشرفت فلسفه اسلامی و دکتر علی اکبر ولایتی جایزه پزشکی بوعلی سینا را برای فعالیت‌های برجسته پیشرفت طب سنتی در ایران به خود اختصاص دادند.

همچنین جایزه ابن سینا پژوهی به نیکولوس ماروت از مجارستان برای فعالیت‌های برجسته در معرفی حکمت سینوی در خارج از ایران اعطا شد.

استاد سید هادی خسروشاهی نیز جایزه مفاخر بوعلی سینا را برای فعالیت‌های برجسته در معرفی و بزرگداشت دانشمندان، محققان و مفاخر فرهنگ و تمدن اسلام و ایران بویژه سید جمال الدین اسدآبادی دریافت کرد.

جایزه حکمتانه بوعلی سینا نیز به دکتر سید حسین نصر، برای فعالیت‌های برجسته همبستگی ساز دانش و معنویت در ارتقاء کیفیت زندگی اختصاص یافت.

نشان طلایی حکیم هزاره‌ها مزین به تصویر حکیم بزرگ ایران و جهان شیخ‌الرئیس بوعلی سینا است که برگرفته از طرح اولیه استاد ابوالحسن صدیقی است.

این نشان و سایر طراحی‌های جشنواره حکمت سینوی را شهرام عظیمی هنرمند برجسته و نام‌آور همدانی طراحی کرده است. نشان حکیم هزاره‌ها، لوح سپاس و تا مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال به هر یک از فعالیت‌های برجسته منتخب ابن سینا پژوهی، پزشکی، فلسفی، حکمتانه و مفاخر اهدا می‌شود.

دکتر محمود احمدی نژاد در سخنانی گفت: خدای بزرگ را سپاسگزارم که به بنده توفیق عنایت کرد تا در این نشست بسیار ارزشمند در جمع فرهیختگان و عاشقان علم و اندیشه حاضر باشیم اگرچه صحبت از ابن سینا برای امثال بنده بسیار مشکل است.

وی با اشاره به برپایی چنین کنگره‌هایی افزود: یک وجه لزوم برگزاری این نشست بهره بردن از دریای بیکران علم و روش شخصیتی است که در عمر کوتاه خود هزاران ابداع و سنت شکنی و خلاقیت و پایه‌گذاری را به بشریت هدیه کرده که دستاوردها و ذخایر فراوانی برای عرضه به نسل‌های متوالی دارد.

احمدی نژاد اضافه کرد: برای سخن گفتن از قله‌های کمال انسان و ابن سینا و ابن سیناها باید درباره خود انسان، توانمندی‌ها، ویژگی‌ها، مأموریت و چستی و کیستی او صحبت کنیم. وی با اشاره به اینکه عقل انسان سایه‌ای از عقل کل است، گفت: خدای متعال با عقل پرستش می‌شود و هرچه عقلانی‌تر باشد مراتب عشق و پرستش نیز بالاتر و والاتر و همه‌گیر است.

رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی افزود: تعقل منجر به عبودیت می‌شود و عبودیت و تهذیب مکمل عقل است.

وی به جهانی بودن شخصیت‌های بزرگی چون ابن سینا اشاره کرد و اظهار داشت: بوعلی ایرانی است اما همه او را از خود می‌دانند چرا که انسان وقتی اوج می‌گیرد از مرز نژاد و جغرافیا بالا تر می‌رود و در آن نمی‌گنجد و به همه بشریت تعلق می‌گیرد.

رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی پس از اعطای نخستین دوره جایزه بین‌المللی بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا گفت: وجهی که انسان را متعالی می‌کند وجه انسانی، اندیشه و فرهنگ اوست.

وی افزود: امروز بیش از نشست‌های سیاسی که راه به جایی نبرده و نخواهد برد، به نشست‌های انسانی و فرهنگی نیاز داریم.

احمدی نژاد به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران، روسیه و اوکراین، قزاقستان و آذربایجان مبنی بر نامگذاری سال ۲۰۱۰ بعنوان سال تقارب و همگرایی فرهنگی اشاره کرد و آن را فرصت مناسبی برای افزایش روابط و تعاملات فرهنگی میان ملت‌ها و جوامع بشری خواند.

در این مراسم دکتر سید محمد حسینی

برجسته در شناخت تعریف و تبیین مکتب سینوی پزشکی بوعلی سینا برای فعالیت‌های برجسته در پیشرفت پزشکی جایزه فلسفی بوعلی سینا برای فعالیت‌های برجسته در پیشرفت فلسفه حکمتانه بوعلی سینا برای فعالیت‌های برجسته همبستگی ساز دانش و معنویت در ارتقا کیفیت زندگی و جایزه مفاخر بوعلی سینا برای فعالیت‌های برجسته در معرفی و بزرگداشت عالمان و متفکران عرصه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران تعریف شده که به منتخبان اعطا می‌شود.

شاه حسینی برگزاری همزمان ۵ نشست علمی متناسب و مرتبط با موضوعات هریک از جوایز را از دیگر برنامه‌های سه روزه جشنواره اعلام کرد و یادآور شد : ابن سینا پژوهی طب سنتی حکمت و فلسفه و معرفی سیدجمال الدین اسدآبادی در همدان ؛ و همایش جهانی فلسفه اسلامی و چالش‌های جهان معاصر با همکاری موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در تهران برگزار می‌شود.

دبیر جشنواره حکمت سینوی افزود : در مجموع برنامه‌های علمی جشنواره بیش از ۱۲۰ اثر علمی ارایه و ۴ میزگرد برگزار می‌شود که ۳۶ نفر از ارائه کنندگان آثار علمی اندیشمندان و متفکرانی از کشورهای انگلستان اندونزی مالزی پاکستان ترکیه تاجیکستان قزاقستان بنگلادش بوسنی مجارستان لبنان نیجریه ژاپن آمریکا آفریقای جنوبی هند و آلمان می‌باشند.

گزارش پایان جشنواره حکمت سینوی
جشنواره حکمت سینوی با هدف گرامیداشت شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا به مدت سه روز در دو بخش اهدای جوایز به اندیشمندان برجسته در شناساندن ابن حکیم فرزانه و نشست‌های سه گانه علمی با حضور ۳۶ فیلسوف برجسته از ۱۷ کشور جهان و ده‌ها پژوهشگر داخلی حوزه حکمت، فلسفه و طب سنتی در همدان برگزار شد و با حضور دکتر احمدی نژاد، جوایز بین‌المللی بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا به برگزیدگان آیت الله العظمی جوادی آملی، دکتر علی اکبر ولایتی، نیکولوس ماروت، استاد سید هادی خسروشاهی و دکتر سید حسین نصر اهدا شد.

در مراسم اختتامیه این جشنواره که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز حضور داشت،

بدست آورده است . حکمت سینوی ترجمانی از این معناست . برنامه ای زنده و پویا برای درست دیدن و رفتن به سوی جهانی عقلانی و معنوی که در آن اتصال به خالق هستی و دقت و تدبیر امور هم بسته اند. دعوتی به زندگی سنجیده است زیستنی که در آن هریخشوی در هماهنگی و اعتدال صرف می‌شود.

دبیر جشنواره حکمت سینوی بیان کرد: در حکمت سینوی هستی و معرفت به هم انطباق حاصل می‌کنند و میان ایمان و علم هماهنگی برقرار است . در این حکمت دانش ورزی واجد گوهر ارزشی است و ارزشمندی بر پایه دانش ورزی استوار است .

وی هدف نهایی از تاسیس بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا را برانگیختن و درانداختن انگیزه های دریافت امروزمین از ظرفیت گرانسنگ حکمت سینوی ؛ و دیگر عالمان و متفکران عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی ؛ و آموختن از محضر بلندمرتبه آنان دانست و اظهار داشت : این بنیاد در سال ۱۳۸۳ پایه اساسنامه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی با دارآمدی هیات امنایی متشکل از شخصیت‌های برجسته علمی و اجرایی کشور تاسیس شد و فعالیت خود را از سال ۱۳۸۵ آغاز کرد.

رئیس بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا با اشاره به اعطای جایزه بین‌المللی ابن جشنواره بازخوانی تعالیم و اندیشیدن درباره تاملات روحیه و شیوه نگرش بوعلی سینا به خدمت گرفتن میراث حکیم هزاره ها و بهره مندی از آموزه ها و دستاوردهای علمی و فرهنگی را هدف از اعطای آن عنوان کرد و خاطر نشان ساخت : این اقدام بستری برای شناخت و انتشار آثار بوعلی سینا در گستره جهانی تشویق پژوهشگران و مراکز علمی و فرهنگی برای خلق آثار برجسته تعمیق و گسترش حوزه های علمی مرتبط با او و پرداختن به اهم مسائل و موضوعات جامعه بشری است .

به گفته وی سازمان اجرایی اهدای جایزه مرکب از شورای راهبردی به عنوان عالی ترین مرجع تصمیم گیری ستاد برگزاری و دبیرخانه دائمی مستقر در بنیاد بوعلی سینا می باشد. وی مصوبات شورای راهبردی که متشکل از شخصیت های علمی و اجرایی کشور است را مورد اشاره قرار داد و گفت : این جوایز در ۵ موضوع ابن سیناپژوهی برای فعالیت های

آیت‌الله جوادی آملی:

مراکز پژوهشی در مدار خلقت شناسی کوشش کنند

مهم‌ترین بنیان معرفتی است که تأمین مبادی تصدیقی علوم دیگر را در نهاد خود دارد.

دوم. حکمت متعالیه ضمن تعالی تجریدی خود، تدانی تجربی را از نظر دور نمی‌دارد یعنی در عین متعالیه بودن، متدانیه خواهد بود، زیرا جریان حرکت جوهری و تبیین بُعد رابع زمان و تشریح سیلان ضروری قلمرو طبیعت، از مسائل جدی آن است، همان‌طوری که جسمانیّه الحدوث بودن روح و تمام آثار علمی و عملی آن از معارف رسمی آن به شمار می‌رود و با روشن شدن امکان تعالی موجود مادی و نیل به مقام تجرّد، بسیاری از مطالب حکمت عملی مانند اخلاق، حقوق و مدنیت به

شود. به هر تقدیر مطلبی در جهان‌بینی قابل طرح و بررسی است که به صورت برهان عقلی تبیین گردد، زیرا محسوس مادی مادامی که پشتوانه عقلی نیابد مفید یقین معرفت‌شناسی منطقی نیست، هر چند ممکن است موجب قطع معرفت‌شناسی روانی باشد. چنان‌که معرفت‌شهودی فقط برای خود شاهد، حجت است و اگر بخواید به صورت فنّ معتبر درآید حتماً باید از مبادی برهان استمداد کند و از علم حضوری به دانش حصولی تنزّل یابد تا قابل تعامل فکری باشد و رسالت این مطلوب به عهده عرفان نظری است. که با حوزه تفکر عقلی قرابت تام دارد بنابراین فلسفه الهی

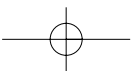
از معاندان لدود آنان تبرّی می‌جوییم. مقدم اندیشوران محترم را گرامی داشته و از برگزارکنندگان این همایش وزین سپاسگزاریم. امید است توفیق الهی، دلمایه پژوهشهای ژرف متفکران شود! لازم است در این پیام کوتاه چند نکته درباره جهان بینی از منظر حکمت متعالیه ارائه گردد:

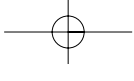
یکم. معرفت‌شناسی، روشهای متعدّدی دارد مانند تجربی، تجریدی و شهودی؛ یعنی ممکن است از راه احساس و تجربه حسّی مطلبی ثابت شود و نیز از راه ادراک کلی و تجرید عقلی مطلبی اثبات گردد و نیز از راه علم حضوری و شهود قلبی، حقیقتی روشن

آیت‌الله جوادی آملی در پیامی به همایش روز جهانی فلسفه، گفت: مراکز تحقیق و پژوهش در مدار خلقت‌شناسی کوشش نمایند تا صبغه الهی بودن علوم محفوظ بماند.

به گزارش ایسنا به نقل از مرکز خبر حوزه متن این پیام بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم و اياه نستعين
حمد ازلی خدای را سزااست، تحيّت ابدی پیامبران به ویژه حضرت ختمی نبوت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را رواست و درود بیکران، اهل بیت وحی مخصوصاً حضرت ختمی امامت، مهدی موجود موعود (عج) را بجاست؛ به این ذوات قدسی تولّی می‌نماییم و





عقل همتای نقل، تحت راهنمایی وحی معصومانه، منبع معرفتی دستورهای الهی است و نه بیش از آن.

۵- همان طوری که تفسیر متون دینی، علمی است الهی، تحریر ساختار خلقت نظام کیهانی در رشته‌های گوناگون، علمی است دینی.

۶- قانون مدون پروردگار است و شناختن آن مستقیماً با وحی و الهام انبیا صورت می‌پذیرد و معرفت با واسطه آن با عقل برهانی و نقل معتبر خواهد بود.

۷- عقل و براهین آن را نمی‌توان مصادره کرد و رنگ بشری به آن داد زیرا موهبت پروردگار است و ره آورد آن حجت الهی است به طوری که عمل برابر قطع عقلی، واجب و ترک عمل در برابر یقین عقلی نیز حرام خواهد بود.

این همه برکات به وسیله فلسفه کلی، بهره علوم تجربی و تجربیدی می‌شود یعنی فلسفه کلی گذشته از تأمین وجود موضوعات علوم و مبادی آنها، الهی بودن آنها را نیز تأمین می‌نماید. آنچه هم اکنون در علوم تجربی و مانند آن رایج است بررسی موجوداتی است که نه ارتباط با مبدأ فاعلی: هوالاول داشته و نه مبدأ غایی خود: هوالآخر را در نظر دارد. روشن است که صرف سیر افقی در شناخت اشیا باعث معرفت عمیق آنها نخواهد بود. امید است تمام مراکز تحقیق و پژوهش در مدار خلقت‌شناسی کوشش نمایند تا صبغه الهی بودن علوم محفوظ بماند و خدمت فلسفه مطلق به تمام فلسفه‌های مضاف و نیز به همه علوم روشن گردد! مجدداً مقدم محققان فلسفه و نیز کوشش شخصیت‌های علمی را ارج نهاده، توفیق همگان را در جهان بینی توحیدی از پروردگار واحد و احد مسئلت می‌نمایم!

یکی از اصول و جامع هستی‌شناسی، نظام علت و معلول است و معلول نسبت به علت خود، وجود رابط (نه رابطی) بوده و علت در قیاس به معلول، مستقل است و سلسله به هم پیوسته علل و معالیل به واجب‌الوجود منتهی می‌شود که صدر و ساقه جهان آفرینش، صنع اوست و چون خداوند، حکیم محض است، صنعت او با حکمت و هدفمندی مطرح است و سلسله علل فاعلی به فاعل بالذات ختم می‌شود و سلسله علل غایی به غایت و هدف بالذات مختوم می‌گردد و خداوند، فاعل بالذات: هوالاول و غایت بالذات: هوالآخر است پس جهان، مخلوق خداست و تمام علوم به خلقت‌شناسی بر می‌گردد یعنی موضوعات مسائل، محمولات آنها و ترتب محمول‌ها بر موضوع‌ها همگی صنع خداست و هر رشته‌ای از علوم تجربی و ریاضی و تجربیدی، پژوهش کار خدا را به عهده دارد. بنابراین فرض ندارد که علم از آن جهت که علم است سکولار باشد هر چند ممکن است عالم از جهت دین‌باوری یا خلاف آن سکولار باشد.

خلاصه آنکه

۱- صحنه هستی ممکنات، ساحت صنعت خداست به طوری که هیچ چیزی در آن یافت نمی‌شود مگر آنکه مخلوق پروردگار است.

۲- هر علمی اعم از تجربی و تجربیدی، تفسیر خلقت خداوند است یعنی معلوم‌ها مصنوع پروردگارانند و استدلال‌های عقلی، درخشش چراغ درونی است که خداوند با بیان و نفس و ما سواها و رهنمود علم انسان ما لم یعلم آن را روشن کرد.

۳- عقل، سراج منیری برای معرفت صراط مستقیم است.

۴ از سراج، کار صراط ساخته نیست و عقل هرگز قانون‌گذار تکوین یا تشریع نیست زیرا تنها قانون‌گذار خداوند سبحان است و

۴- فاصله مطرح‌شده را ماهیات امکانی که از آن به مقولات جوهر و عرض یاد می‌شود پُر نمی‌کند.

۵- فاصله ذکر‌شده را حقایق وجودی بنا بر تباین آنها به عهده نمی‌گیرد.

محدور مشترک وجوه یادشده همانا گسیختگی آنها از یکدیگر است و امور گسسته هرگز صراط مستقیم و راه پیوسته نخواهند بود تا معبر سالکان کوی نیاز به بارگاه پروردگار بی‌نیاز باشند.

۶- فاصله مطرح‌شده را درجات تشکیکی حقیقت وجود تشکیل می‌دهد یعنی مقصد، تقرب به مرحله کمال هستی است و بین آن مرحله برین و مراحل میانه و نازل، گسیخته نیست و گرنه نزدیک شدن به مقصد و لقای آن ممکن نبود.

۷- ارتقای از مرحله فرود به مرتبه فراز، بدون حرکت جوهری و تحوّل درونی میسر نیست زیرا هر گونه ترقی در اعراض و دگرگونی در عوارض مادی که در پرتو تکامل ذاتی نباشد نه ممکن است و نه سودمند.

بنابراین فلسفه متعالی، این مهندسی را فراسوی سالکان کوی وصال ارائه نمود که هم راه رشد یعنی تقرب به پروردگار موجود است و هم عبور در آن ممکن. نکته فاخر اینکه مقصود از نزدیک شدن و منظور از لقای الهی، ارتباط با برخی از اسمای حسناى خداست و گرنه دو منطقه وجوبی برای همگان و نیز برای همیشه ممنوع و ممتنع است: یکی نیل به ذات واجب که بسیط صرف است و دیگری اکتناه اوصاف ذات که عین ذات می‌باشند.

چهارم. فلسفه کلی، تأمین‌کننده صبغه الهی بودن همه علوم است که درباره موجودهای امکانی بحث می‌کنند یعنی فلسفه، مهم‌ترین خدمتی که به علوم می‌کند این است که آنها را الهی و دینی می‌نماید زیرا ثابت می‌نماید که

خوبی قابل تحلیل خواهد بود، زیرا تمام رفتار، گفتار، نوشتار و کردار انسان همراه با عقیده و وصف نفسانی او در صحابت روح وی در تحوّل است و هرگز کار آلوده، صفت ناپسند و عقیده باطل به صورت فرشته عقلی در نمی‌آید و برای فرشته مجرد شدن، پیمودن صراط مستقیم عقل و عدل لازم است و حکمت متعالیه، عهده‌دار تبیین اصول جامع و مبانی کلی آن است.

سوم. حکمت متعالیه، مسیر تقرب به مبدأ هستی را به خوبی ترسیم می‌نماید و سالکان کوی وصال پروردگار را به آن راهنمایی می‌کند، زیرا اصل فاصله مخلوق با خالق پذیرفته‌شده است و نزدیک شدن بنده با خداوند از راه معرفت، محبت و عبادت، میسر است و در پاسخ این پرسش که تقرب ممکن به واجب چگونه است، دائماً گفته می‌شود که قرب مزبور معنوی است نه مادی و نزدیکی مکانت است نه مکانی. روشن است که با این تعبیرهای نارسا فاصله حق و خلق و تفاوت عابد و معبود معلوم نخواهد شد. حکمت متعالیه بعد از تصریح به اینکه ذات واجب الوجود، هویت محض و حقیقت صرف و نامحدود است، در تفسیر عناوین و حیانی مانند لقای خدا، تقرب به او و ... ارزیابی‌های متدبرانه نمود و مناسب‌ترین راه را به دست آورد و آن اینکه:

۱- فاصله واجب و ممکن را عناوین اعتباری و قراردادی اجتماعی نظیر ریاست و مرنوسیت تشکیل نمی‌دهد.

۲- فاصله مزبور را مفاهیم منطقی که از آن به معقولات ثانی منطقی یاد می‌شود تأمین نمی‌کند.

۳- فاصله یادشده را مفاهیم فلسفی که از آن به معقولات ثانی فلسفی تعبیر می‌شود تضمین نمی‌نماید.

پیام حجت الاسلام والمسلمین استاد سید هادی خسروشاهی به جشنواره سینویه

المللی زمینه‌های لازم را فراهم ساختند، تقدیر و تشکر به عمل آید و امید آن می‌رود که با تشکیل کمیته کاری دائمی و با همکاری فکری همه فرهیختگان جامعه اسلامی ایران، بنیاد علمی - فرهنگی بوعلی سینا بتواند به این امر فرهنگی مبارک، استمرار بخشد که در واقع گامی بزرگ در شناساندن فرهنگ و اندیشه مفاخر ایران می‌تواند باشد.

در واقع شناخت و شناسائی شخصیت‌هایی چون: مولانا، شمس تبریزی، حافظ، صدرالدین شیرازی، سید جمال‌الدین حسینی، استاد علامه سید محمدحسین طباطبائی، شهید بزرگوار آیت الله شیخ مرتضی مطهری و دیگر مفاخر بی نظیر معاصر، یک ضرورت تاریخی است به ویژه که هم اکنون شاهد آن هستیم که بعضی از کشورها، شخصیت‌های برجسته ایران از جمله بوعلی سینا را به خود منسوب می‌دارند! و حتی برای بزرگداشت آن‌ها، جشنواره‌هایی هم برگزار می‌کنند؟

توفیق افزون همه مسئولین این جشنواره بین‌المللی را از خدای بزرگ خواستارم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

تهران ۸۸/۸/۲۱

سید هادی خسروشاهی

برای بیرون رفت از این وضع خطرناک و نابودگر، به ارائه طریق پرداخت. درواقع سید جمال‌الدین در جمع‌بندی نهایی خود، پس از تجزیه و تحلیل عینی و میدانی مسائل و مشکلات، به این نتیجه رسیده بود که تنها راه‌هایی و تحول‌بنیادی، ایجاد تحول ذاتی و تغییر درونی در میان محل و افراد جامعه است.

یعنی برخلاف گروهی از فلاسفه و اندیشمندان که عامل محرک تاریخ را اقتصاد یا نژاد و خاک و امور مشابه دیگر، می‌دانستند، سید جمال‌الدین تنها عامل واقعی محرک تاریخ و تحول را، با استناد به آموزه قرآنی که: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم، بازگشت ملت‌های مسلمان به خویشتن خویش و تمسک به آموزه‌های اسلامی و حبّل الله المتین اعلام نمود. البته این نکته در مقاله ارائه شده به جشنواره، به طور مبسوط مورد بحث قرار گرفته است که تکرار محتوای آن در این مختصر، منطقی به نظر نمی‌رسد!

در پایان لازم است که از زحمات درازمدت مسئولان ارشد استان همدان و تلاش‌های بی‌وقفه مدیران محترم بنیاد علمی - فرهنگی بوعلی سینا که برای برگزاری این جشنواره بین

توده‌های مردم از هر گونه آزادی فردی و اجتماعی

۲- استبداد و خودکامگی سلاطین و حکام و سیطره بلامنازع آن‌ها بر امور کشورها و توده‌ها، با کمک و پشتیبانی رسمی استعمار.

۳- انحطاط فکری - فرهنگی مسلمین و مردم مشرق‌زمین، و عقب‌ماندگی آنان از کاروان اندیشه و تمدن بشری و پیشرفت‌های علمی، که خود نتیجه سلطه استعمار و استبداد بود.

۴- تفرقه مذهبی و اختلاف‌های بی‌اساس قومی و نژادی و در نتیجه پیدایش جنگ‌های مخرب محلی و منطقه‌ای و گسترده‌ی آثار شوم و ویرانگر این جنگ‌ها، در بلاد اسلامی و شرقی.

۵- دوری از اندیشه صحیح اسلامی و شیوع عقاید و باورهای خرافی و بدعت‌هایی که عمدتاً ساخته ذهنی احبار و رهبان و یا راهبران مذاهب بود!

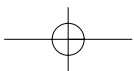
۶- خودباختگی فرهنگی و غرب زدگی عملی و اشتیاق به اخذ مظاهر مادی تمدن ماشینی، همراه با مصرف‌گرایی و لذت‌طلبی و کام‌جوئی که به مثابه یک بیماری واگیردار و مهلک، در بلاد اسلامی و شرقی شیوع یافته بود.

سید جمال‌الدین حسینی پس از شناخت این محورها در آسیب‌شناسی جوامع اسلامی،

بسم الله الرحمن الرحیم
با سلام و درود بر اساتید و اندیشمندان و حضار محترم و ابراز تأسف از عدم توفیق حضور در این جشنواره فرهنگی ارزشمند، در رابطه با موضوع مطرح‌شده، نکاتی فهرست وار عرض می‌شود:

بی تردید سید جمال‌الدین حسینی اسدآبادی یکی از نادر شخصیت‌های برجسته تاریخ معاصر ایران و جهان است. سید جمال‌الدین پس از تحصیل در حوزه‌های علمیه ایران و عراق و کسب بخش عمده‌ای از علوم اسلامی و معارف حقّه الهی، در راستای بهره‌برداری عملی از آنچه که به دست آورده است، به بررسی اوضاع نابسامان مسلمانان و مردم مشرق‌زمین پرداخت و با سفر به سرزمین‌های مختلف و دیدار و گفتگو با رهبران مسلمان و شخصیت‌های دگراندیش در بلاد گوناگون، به چاره‌جویی برخاست و با شناخت عینی مشکلات جوامع اسلامی و شرقی، در جمع‌بندی علل و عوامل اصلی این انحطاط و نابسامانی‌ها به این نتیجه رسید که علل اصلی عبارتند از:

۱- سلطه کامل و همه‌جانبه استعمار بر سرزمین‌های اسلامی و شرقی و محروم‌سازی



آیت الله هاشمی شاهرودی در گفت و گو با پایگاه اطلاع رسانی جماران:

بازداشت انفرادی خلاف است

تغییر و تحول قرار نمی گیرد اگر آن دستخوش تغییر و تحول باشد ثبات نظام متزلزل می شود و هر چه دائمی تر و محکمتر باشد نظام محکم تر می بشود. آیت الله شاهرودی تصریح کرد: امام در بحث تغییر و تحول قانون، بیشتر نظرش روی قوانین دیگر بود. ما در این سی سال خیلی بحث داشتیم سیستم ها را مدام توسعه دادیم ادغام کردیم. جای کار هم زیاد داریم. ما هنوز در این قسمت ها خیلی نیازمندیم من ده سال تجربه ریاست قوه را داشتم هنوز خیلی به اجتهادهای جدید، پویا، دقیق و منجسم با نیاز روز و متکی به مبانی درست آن نیاز داریم.

وی با بیان اینکه تغییرات بر اساس مصلحت اندیشی نیست، گفت: نباید با هر مصلحتی و بر اساس سلایق شخصی حکم خدا را عوض کرد. تغییرات چارچوب دارد و امام به این چارچوب خیلی توجه داشت. منابع استنباطی و اجتهادی ما خیلی غنی است ادله ما باز است خیلی پر توان و پر پتانسیل است. برای همه مسائل جدید می شود پاسخ های خوب به دست آورد.

وی گفت:در اقتصاد، قضاوت، مسائل اجتماعی، تربیت، تولید علم، سیاست خارجی، روابط بین الملل و در همه مسائل می شود برنامه ها، سیستم ها و مدل های خوب پیدا کرد به شرطی که افراد فاضل در این قست ها کار کنند بزرگان و کارشناس ها که تجربه دارند مدل هایی را که در دنیا به دست آمده و تجربه شده بگیرند با دقت مطالعه کنند نگویند که چون مال غرب و یا ژاپن و کجا است و مال بلاد کفر است به درد نمی خورد.

این استاد حوزه اظهار داشت: فضلا، فقها ، علما و اساتید دانشگاه بنشینند یکی یکی بررسی کنند تا بهترین ها را به دست بیاورند . در مجلس هم قبل از اینکه بخواهند قانونی را تصویب کنند باید از این نظرات جدید استفاده کنند و بر پایه آنها قانون تصویب کنند. متأسفانه مرکز پژوهش های مجلس آنچنان قوی نیست که این کار را انجام دهد.

وی گفت: در اکثر مسائل کار بنیادی نشده است ما در مسائل بنیادی دچار مشکل اساسی هستیم نگاه دنیای اسلام به ما است آنها چیزی ندارند چون نظام اسلامی ندارند همه آنها سیستم های بلاد کفر را در نظام خود کپی کرده اند. همه علما توجه شان به این است که نظام جمهوری اسلامی همه این مشکلات را حل کرده است. فکر می کنند که در همه چیز مدل کاملی داریم. البته ما نسبت به آنها چیزهایی مهم و اساسی داریم ولی نواقص زیادی هم داریم که خیلی نیازمندیم.

وی با این گفته که متأسفانه تلاش ها برای عمل به توصیه های امام در زمینه باز بودن باب اجتهاد در نظام اسلامی در عمل کافی نبوده است، گفت : برنامه وحدت حوزه و دانشگاه نتیجه مختصری داد اما بجایی نرسید. اسلامی کردن دانشگاه ها که ۱۲ سال پیش رهبری انقلاب مطرح کردند به نتیجه نرسید. در این قسمت ها ما نیاز به کار بیشتر و با برنامه از پیش تهیه شده داریم.

باید یک نهادی درست کنیم که بطور مستمر در کنار نظام و انقلاب همه اینها را آماده کند مستندات را تهیه کند و هم دولت و هم مجلس و هم قوه قضاییه استفاده کنند، این کار حوزه و دانشگاه و مسوولینی است که آگاهند و به مسائل اشراف دارند.خیلی وقت است که بحث اقتصاد اسلامی را مطرح می کنیم اما هنوز اتفاقی نیفتاده است. فرصت های عظیمی در اقتصاد از دست می رود برخی کشورها از ما عقب تر بودند الان از ما جلو افتاده اند. باید بررسی کنیم که مشکل ما در کجا است آیا در احکام خلاء داریم یا در شکل و سیستم و مدل کار و یا در اجرا؟

جلوگیری از مجازات اعدام افراد زیر ۱۸ سال

پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران با آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی فقیه بلندپایه و چهارمین قاضی القضات جمهوری اسلامی به گفت و گو نشست. بخش اول این گفت و گو با عنوان ’پیشنهاد هاشمی شاهرودی برای تحقق وحدت’ پیش از این منتشر شد. بخش دوم گفت و گوی این پایگاه با آیت الله هاشمی شاهرودی، بیشتر به دو موضوع اجتهاد و قضا اختصاص دارد. در این گفت و گو، نظر وی درباره بازبودن باب اجتهاد سؤال شده است.

او اعتقاد دارد که نباید به علوم تولید شده در بلاد کفر بی توجهی کرد. از وی درباره چند و چون اعدام، زندان در اسلام و حقوق زندانیان سیاسی سؤال شد. نظرات متفاوت قاضی القضات، آنجا اهمیت پیدا می کند که می گوید به لحاظ فقهی و اعتقادی با هر نوع زندان مخالف است و غیر از موارد استثنایی هیچ کس نباید زندانی شود اگر شد نباید با او بدرفتاری شود.

آیت الله هاشمی شاهرودی رئیس سابق قوه قضائیه در پاسخ نخستین سؤال که با توجه به مفتوح بودن باب اجتهاد در نظام اسلامی، مفاهیم مدرن مانند حقوق بشر با چه مکانیزمی باید وارد قانون شده و نهادهینه شوند؟

بر باز بودن باب اجتهاد تاکید کرد چرا که ’این امر در اصول فقه شیعه امتیاز این فقه بر فقه اهل سنت است که برکات زیادی داشته و دارد’.

او گفت: بالندگی، تکامل و پویایی فقه و علوم اسلامی خیلی مفید بوده است و امام هم بر آن تکیه داشتند. برداشت های جدید از دین و نظریه پردازی در مقابل شبهات و حفظ میراث اسلامی در همه ابعاد مهم و وسیع از جمله نتایج باز بودن باب اجتهاد است مسائل نو در قالب افکار جدید مطرح می شود برخی اشکال و شبهه دارند که پاسخ می خواهد برخی هم فرازهای جدیدی هستند که در اجتهاد باز می شوند. این چشم اندازهای جدیدی که نیاز به حکم فقهی دارند باید استنباط بشوند. حکومت هم در فقه شیعه امر جدیدی است و مسائل جدیدی دارد و احکام خودش را می خواهد.

رئیس سابق قوه قضائیه با بیان اینکه برای حل مسائل جدید باید سه گروه فقها، کارشناسان علوم مختلف و مجریان آشنا به مسائل با هم بنشینند و کار کنند، گفت: هم باید از علمای بزرگ حوزوی و هم از نخبگان و اصحاب فکر در رشته های علوم روز استفاده بشود. برخی از مسائل جدید مشکل روشن نبودن حکم را دارند محتوا، حکم است وباید مجتهدان در مورد آن نظر بدهند. برخی هم مشکل قالب و نظم و نظام و شکل را دارندکه باید صاحب نظران رشته های مختلف پاسخ دهند و مدل سازی کنند.

’شکل دادگاه ها و مراحل دادرسی ، نهادهای مربوط به نظام اقتصادی و خیلی مسایل دیگر یکسری برنامه های اجرایی و عملیاتی می خواهد که خیلی از انها نظر کارشناسی می خواهد و هم حکم فقهی. حکم حرمت ربا در احکام اسلامی آمده است ولی یک سیستم خاصی می خواهد که بر روی آن پیاده شود برای پیاده کردن این نوع عقود اسلامی باید از کارشناس های مربوط به سیستم بانکی استفاده شود. محض کار فقهی نمی تواند مساله را به نتیجه برساند باید همه این نکات را در نظر گرفت. امام که بحث باز بودن باپ اجتهاد را مطرح می کرد می خواست نخبگان و علما را دعوت کند در این نظام جدید میراث علمی خود را روی هم بریزند و پاسخ نیازهای نظام را پیدا کنند و حل کنند.

وی با بیان اینکه بازنگری قانون اساسی به عنوان یک قانون مادر و اصل و اساس نظام، بخشی از موضوع اجتهاد در نظام است که البته نباید مدام تغییر یابد، گفت: در دنیا قانون اساسی خیلی دستخوش

رییس سابق فوه قضاییه در ادامه در پاسخ به سوال دیگر خبرنگار پایگاه اطلاع رسانی جماران در خصوص اعدام زیر ۱۸ سال و مسائل حقوق بشری مرتبط با آن گفت: بسیاری از تبلیغات غرب بر علیه ایران سیاسی هستند. نقض حقوق بشر در کشورهای دیگر به کثرت و شدت وجود دارد آنها را نه مورد اتهام قرار می دهند و نه در مورد آنها تبلیغات می کنند. برخی کشورها حتی حقوق اولیه بشر را نیز از شهروندان خود گرفته اند مجلس ندارند پارلمان ندارند به زنان اجازه رانندگی نمی دهند یک حکومت قرون وسطائی دارند و غرب هم کاری به آنها ندارد بلکه هم پیمان با آنان بر علیه ما و حقوق مردم فلسطین ، لبنان ، عراق و افغانستان فعالیت می کند.

وی افزود: اصل حقوق بشر درست است نظام اسلامی هم داعیه حقوق بشر دارد. من زمانی که رییس قوه قضاییه بودم حقوق شهروندی را مطرح کردم. اروپایی ها حقوق بشر را از اسلام گرفته اند. ما معتقدیم حقوق بشر که اکثر اصل های آن هم درست است یک بحث اسلامی است. اعدام کودکان یک بهانه است ما کودک را اعدام نمی کنیم اختلاف ما در سن است آنها سن را ۱۸ گذاشته اند و ما ۱۶ سال قرار دادیم ، تازه برای ما سن مهم نیست ملاک بلوغ و رشد است.

وی اضافه کرد: اینها بحث های کوچکی است ما همه پرونده های قوه قضاییه را جمع کنیم کسانی که در سن ۱۶ الی ۱۸ جرمی مرتکب شده باشند که اعدام شده اند از چند نفر معدود تجاوز نمی کند. اینها را بخاطر مسائل سیاسی مطرح می کنند. ما به لحاظ فقهی محدودیت های زیادی برای مجازات مجرمان ۱۶ الی ۱۸ داریم. خود اثبات جرم خیلی سخت است. ’ما در اعدام، محدودیت های زیادی داریم. خیلی از مجازات اعدام قصاص است که حق شخصی است و می شود با دیه و صلح ، مجازات را رفع کرد. در غرب حق اعدام حق دولت است حتما باید اجرا شود. پرونده های قصاص ما با صلح تمام می شود گاهی قاضی حکم می کند و دیوان عالی هم تایید می کند اما کمی مانده به اجرا صلح می شود. کمتر از ۲۰ درصد محکومین به قصاص ها، به اعدام رسیده است. اکثرا مورد رضایت واقع می شود.

ما سوای همه اینها نسبت به مجازات هایی که حق عام است و در اختیار حکومت است سعی کرده ایم مجازات اعدام زیر ۱۷ سال صورت نگیرد از حق عفو رهبری استفاده می کنیم تا کسی اعدام نشود. سعی می شود طرف قصاص به نحوی راضی شود سود و مصالحه کند’.

وی گفت: بحث دیگر این است که اگر جرم بین ۱۶ الی ۱۸ انجام شده باشد ، اگر قرار بر اعدام باشد معمولاً اعدام از بعد پایان این دوره و در سن بالا صورت می گیرد و اصلا کودک اعدام نمی شود.

بازداشت انفرادی

رییس پیشین قوه قضاییه در پاسخ به سوال دیگری در خصوص حقوق زندانیان سیاسی و نحوه رفتار با آنها گفت: از ۱۵ ماده قانون حقوق شهروندی چند ماده به زندانیان ربط دارد. یکی از کارهای مهم ما در قوه قضاییه این بود که ما تلاش زیادی برای حبس زدایی از قوانین داشتیم. فضای زندان ها را تغییر دادیم بازداشتگاه های زندان انفرادی را باز کردیم من تاکید داشتم کسی در بازداشت انفرادی نباشد حالا برخی انجام می دهند این برخلاف آئین نامه است.

وی با بیان اینکه زندان، یک مجازات اسلامی نیست، تشریح کرد: نظر فقهی من این است که زندان یک مجازات ثانوی و محدود در سیستم نظام کیفری اسلامی است و مجارات در سیستم کیفری اسلامی بیشتر مجازات اجتماعی و یا تعزیرات است و در

موارد خیلی حاد هم قصاص و اعدام است که فلسفه خود را دارد.

وی گفت: ما در قوانین اسلامی زندان نداریم مگر تنها در ۶ مورد خاص. زندان به عنوان مجازات نیست شاید به عنوان یک اقدام تامینی و تربیتی باشد وقتی به این نتیجه برسیم که اگر کسی بیرون باشد ضررش به دیگران می رسد، حبسش می کنند تا آنجا تربیت شود یا کودکی را می برند در کانون اصلاح و تربیت اصلاح می کنند. اینکه یکی را ببرند در اتاقی بایکوت کنند هزینه بدهند کار غلطی است.

زندان از موارث طاغوت است به نظر من کل زندان هایی که در کشورهای اسلامی در دوران خلفا ایجاد شده است بخاطر خوی طاغوتی حکام جور بوده است که از طاغوت های قبلی خود گرفته اند و ادامه داده اند. زمان پیامبر(ص) و زمان امیرالمومنین(ع) زندان نبود. برای پول و مال کسی را حبس نمی کردند البته در برابر جرم، و یا دین به دیگران اموالش را می گرفتند. ما متأسفانه در قوانین خود زندان را به عنوان مجازات باز کردیم این با فقه ما نمی خواند ما باید برگردیم به همان مدل های کیفر های تأمینی و اجتماعی و تعزیرات اسلامی. دنیا هم به این طرف می رود البته به این زودی نمی رسد چون طاغوتی است.

آیت الله هاشمی شاهرودی گفت: ما در قوه قضائیه قوانین مختلفی را به مجلس بردیم که کل این زندان ها قابل تغییر باشند یا اصلا تعطیل شوند. هنوز مجلس خیلی از این لوایح را که ۵ الی ۱۰ سال است، تصویب نکرده است. به هر دلیل اینها همچنان مسکوت مانده است.

زندان یک ظلم است

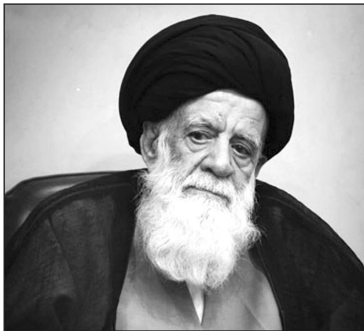
زندان یک ظلم است نه تنها به زندانی که به بستگان زندانی. بستگان زندانی بیش از خود زندانی معذب می شوند. آبرویشان می رود. نان آورشان از دستشان گرفته می شود. در معرض تجاوز دیگران قرار می گیرند. هزینه های سنگین اجتماعی برایشان به بار می آورد. ضد نظام می شوند. به همه چیز بدبین می شوند. عقده ای می شوند. به جای اینکه از نیرویش استفاده شود زندانی هم بایکوت می شود. این روش غلط است. اسلام زندان وسیع نداشته است. اسلام می گوید مجازات کن و رها کن برود سر زندگی خودش، نه هزینه مالی بر دولت دارد و نه مشکلات خانوادگی و اجتماعی و مفسد دیگر.

آیت الله هاشمی شاهرودی در ادامه در خصوص نحوه برخورد با زندانیان گفت: کسی حق ندارد با زندانیان بد برخورد کند خود امام هم می گوید شما اگر می خواهید کسی را اعدام کنید. حق ندارید بهش سیلی بزنید. حق ندارید بهش تعدی کنید. این در مورد همه صدق می کند فرق نمی کند چه سیاسی چه غیر سیاسی.

رییس سابق قوه قضاییه افزود: حقوق شهروندی که در قوه قضاییه طرح شد توقع این بود که تحولی هم ایجاد کند و اثر خوبی هم در دنیا بگذارد. مجلس باید آن را دنبال کند و در قانون گذاری آن را توسعه بدهد. وقتی که شعار حقوق شهروندی می دهیم باید به آن عمل کنیم. باید بقیه قوانین بر اساس آن اصلاح شوند.ما برای برخی تخلفات که در دنیا جزو مسائل حقوقی است حکم زندان گذاشته ایم. هیچ جای دنیا برای چک کسی را به این راحتی زندان نمی فرستند ما برای چک زندان می کنیم. چک حقوقی است دعوای مالک و مستجر حقوقی است مهریه حقوقی است اما ما آنها را کیفری کرده می فرستیم زندان. قوانین را باید اصلاح کرد اگر شعار حقوق شهروندی را قبول داریم باید بدانیم که این مسائل جزو حقوق شهروندی است. نمایندگان مجلس تمام قوانین را بر اساس آن اصلاح کنند.



ارتحال آیت الله سید مرتضی نجومی از علمای برجسته کرمانشاه

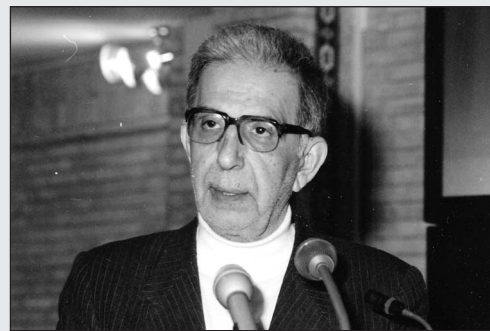


اعلمی چون حضرت آیت الله العظمی آقامیرزا محمدباقر زنجان، آیت الله آقا میرزا عبدالهادی شیرازی، آیت الله حاج آقا محسن حکیم و آیت الله العظمی آقای حاج سید محمود شاهرودی شرکت و اجازه اجتهاد را از دستان مبارک حضرت آیت الله العظمی آقا میرزا محمدباقر زنجان دریافت کرده است. استاد نجومی از برترین های هنر خوشنویسی جهان بودند که تابلوهای زیبای ایشان هوش از سر هر صاحب ذوقی می برد.

سپری کردند و ملجا و پناهی بودند برای دوستداران ائمه اطهار علیهم السلام. استاد نجومی به نقل از والد مکرشان که در پشت نسخه خطی کتاب عبد الیقین فیض مرقوم داشته اند، در ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۴۶ مصادف با ۵ آذر ۱۳۰۷ در کرمانشاه متولد شدند. آیت الله نجومی در محضر استادانی چون آقا میرزا ابراهیم پورمعتمد، حاج سید محمود معصومی لاری و حاج شیخ حسن حاج آخون به تحصیل علوم دینی پایه پرداختند تا اینکه به جهت گذراندن دروس حوزوی و بهره جستن از محضر استادان بزرگ شیعه دست به مهاجرت به عتبات عالیات عراق، کربلا و نجف زدند که در کتاب کیمیای سعادت تحت عنوان تعبیر رویا و عزیمت به کوی دوست از این اقدام یاد کرده اند. ایشان در سال ۱۳۶۹ هجری قمری به شهر نجف اشرف رفتند و در مدارس ذیل به تحصیل دروس حوزوی پرداختند و به درجه اجتهاد نائل شدند. در این ایام، استاد در درس خارج، استادان

آیت الله سید مرتضی نجومی از علمای برجسته استان کرمانشاه در سن ۸۱ سالگی در منزل شخصی خود در این شهر دار فانی را وداع گفت. آیت الله سید مرتضی نجومی از مدتی پیش به علت کسالت در بستر بیماری بود. این عالم بزرگوار چند سال پیش به عنوان چهره ماندگار کشور در هنر خوشنویسی مورد تجلیل قرار گرفت. آیت الله حاج سید مرتضی نجومی فرزند مرحوم آیت الله آقا سید محمدجواد نجومی فرزند آقا سید میرزا اسماعیل نجومی، بنا به شجره نامه ای که به خط این بزرگوار در پشت نسخه بسیار نفیس نهج البلاغه خطی مرقوم شده است سلسله سیادت ایشان به امام سید الساجدین و زین العابدین حضرت علی ابن الحسین (ع) می رسد. پدر و جد بزرگوارشان آقا سید میرزا اسماعیل نجومی متولد کرمانشاه و از سادات بسیار جلیل القدر و از اتقایای زمان بودند که طول عمر مبارکشان را در شهر کرمانشاه

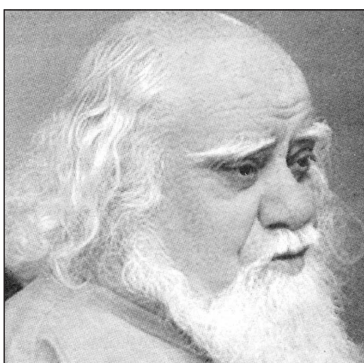
بنام خداوند جان و خرد توضیحی درباره عنوان گزارش یا مقاله "عمری در تکاپو" که در شماره ۱۳۶۲ دوهفته نامه وزین "بعثت" مورخ نیمه دوم تیرماه ۱۳۸۸ شمسی و شماره ۲۴۵۱۵ روزنامه اطلاعات مورخ دوشنبه ۸۸/۵/۱۲ به قلم حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای محمد الوان ساز خوبی طبع و نشر گردیده و با سپاسگزاری از این نویسنده و دانشور و با تشکر از استاد فرزانه گرامی جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای سید هادی خسروشاهی.



در قالب دو قطعه و غزلگونه ذیل:

ز "عمری در تکاپو" حقیقت
بشد بر من عیان این راز هستی
که انسان رهسپر در شاهراهی است
که او را دور می سازد ز پستی
ز پستی و دنائت هایی چون جهل
ز کنران و ز آاز و خود پرستی
بود این شاهره سوی خدایی
که چون او را شناسی، باریستی
ز ایمان و ز دینداری و تقوی
و با این مایه ها از "دیو" رستی
غرض از "دیو" شیطان است و ابلیس
که گمراهت کنند و غرق مستی
که از درک حقایق بازمانی
و گر پرهیزی از عصیان، بجستی
ز جمله مشکلات عالم خاک
و بر رویت در غمها ببستی
غزلگونه ای در ستایش:
درود من به آن صاحب قلم باد
که از این بنده کرده وی چنین یاد
در آن مکتوب سرتاسر محبت
چه قلب دوست می گردد از آن شاد
مقاله "عمری - یکسر - در تکاپو"
که در "بعثت" بشد طبع و خبر داد
ز "ألوان ساز" آن دانشور دین
هم از فرزانه "خسروشاهی"، راد
که با حسن نظر در من نگاهی
بکردند و به چشم مهر، ایراد
صفاتی را که این جانب سزاوار
نیم، نسبت بدادتم، چه گر "داد"
به طور کامل و مطلق دهد حکم
بویژه زین که گر فرصت همی داد
که آگه می شدند از باطن من
چنان تحسین برایم رخ نمی داد!!
به هر صورت من این رخداد میمون
شناسم لطفی از یزدان فرجاد
که در اندیشه احباب ره داد
و مکتوبی بشد بر مهر بنیاد
لذا از خالق عالم بخواهم
که ایشان را دهد افزون ز اعداد
ز رحمت های خاص خویش پاداش
به دنیا و به عقبی - روز میعاد -
با احترام
حسین رزمجو
مشهد ۸۸/۵/۲۵

توضیح مهم استاد علامه محمدرضا حکیمی درباره عدم پذیرش جایزه جشنواره فارابی



دومی در کتاب ها!

محمدرضا حکیمی
۱۳۸۸/۸/۱۸

است. پرسش این است آیا این علوم برای ثبت در کتاب ها و در دنیای ذهنیت است یا برای خدمت به انسان و حفظ حقوق انسان و پاسداری از کرامت انسان است در واقعیت خارجی و عینیت؟ نصاب مقام انسان در معیشت و زندگی به منظور رشد متعالی، رسیدن به اقامه "قسط قرآنی" در حیات اقتصادی است (لیقوم الناس بالقسط) و برخوردار بودن انسان ها از حیثیت و کرامت و آزادی در حیات اجتماعی و سیاسی (ولقد کر منا بنی آدم).

آری، باید بگوئیم تا جامعه ما چنان نباشد که درباره اش بتوان گفت: از دو مفهوم انسان و انسانیت، اولی در کوچه ها سرگردان است و

بسمه الحکیم
اطلاع یافتم که به عنوان یکی از برگزیدگان جشنواره فارابی انتخاب شده ام. ضمن سپاسگزاری از اظهار لطف داوران، به استحضار می رساند که اینجانب در جشنواره ها حضور نمی یابم. در جشنواره اخیر نیز حضور نیافته و جایزه ای دریافت نکرده است. همانگونه که پیش تر هم یادآور شده ام، بار دیگر تأکید می کنم که تا هنگامی که در جامعه ما فقر و محرومیت مرئی و نامرئی بیداد می کند، برگزاری چنین جشنواره هایی از نظر اینجانب در اولویت نیست. در این جشنواره از فاضلان و استادانی به نام خدمت ۵۰ ساله به علوم انسانی تجلیل شده

«فریاد در خاموشی» دومین مجموعه از «روایت صدر»

موضوع امام موسی صدر است. این کتاب که به مناسبت سی امین سال ربوده شدن امام موسی صدر و به صورت "ناشر: مؤلف" منتشر شده، برای نخستین بار در سال ۱۳۸۸ با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و با بهای ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.

یادداشت های این دفتر، اعتراضی هرچند کوچک و متواضعانه علیه نابسامانی روند پی گیری مسأله امام صدر در کشورما است. "فریاد در خاموشی" شامل یک مقدمه و بخش های "زندگی نامه"، "یادداشت ها"، گفت و گوها، "نامه ها"، "با رسانه ها"، "میزگرد اینترنتی"، "پیوست ها"، "تصاویر" و "نمایه ها" است که در ۶۹۶ صفحه گردآوری شده است. از جمله عناوین یادداشت های این کتاب می توان به آسیب شناسی روند پی گیری مسأله امام صدر، "ضرورت بازنگری دولت خاتمی در روند پی گیری"، "چهار سوال از جلال الدین فارسی"، "جغای وزارت خارجه در حق امام موسی صدر"، "مظلومیت امام صدر، حتی در عهد خاتمی؟!، "منطق دولت نهم در برابر منطق شهید چمران" و "با کمیته پی گیری مسأله امام صدر در مجلس هفتم" اشاره کرد.

علاوه بر ۳۸ یادداشت که در فاصله سال های ۶۷ تا ۸۷ نوشته شده اند، این کتاب شامل دوازده گفت و گو، ده نامه، سیزده مطلب در بخش با رسانه ها، یک میزگرد اینترنتی، پنج پیوست و تصاویر مرتبط با

کتاب "فریاد در خاموشی" جستارهایی درباره پی گیری مسأله امام موسی صدر است که دومین عنوان از مجموعه "روایت صدر" محسوب می شود و به قلم دکتر محسن کمالیان منتشر شده است.

کتاب "فریاد در خاموشی"، یادداشت های دکتر محسن کمالیان، درباره پی گیری مسأله امام موسی صدر را در برمی گیرد و به کوشش مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر منتشر شده است.

به گفته نویسنده "فریاد در خاموشی"، این کتاب روایتی است از مظلومیت امام موسی صدر در دوران پس از ربوده شدن و تصویرهایی از آن چه طی سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۷ شمسی بروی گذشته است.

کتاب حاضر گزارشی از تلاش های متواضعانه یک ایرانی دوستدار امام صدر است که به قداست انقلاب و سلامت نفس رهبران آن باور داشته و سامان یابی روند پی گیری مسأله امام صدر توسط جمهوری اسلامی ایران بزرگ ترین دغدغه اوست. به گفته دکتر محسن کمالیان، هر یک از

بعثت

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسوول:

سید هادی خسروشاهی

سر دبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیه) نبش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

لیتوگرافی: سپهر اسکنر چاپ: سپهر